

Educational Implications of the 19th Surah of the Holy Quran in Areas of Belief with Emphasis on the View of Grand Ayatollah Khamenei, May God Protect Him

(Received: 2024-12-07 Acceptance: 2025-03-09)

Sayedaminalah Dadgar¹

Abstract

Considering the importance of education in Islam and its role in shaping human personality, this article examines the educational implications of the nineteenth part of the Holy Quran in the field of ideological education with an emphasis on the view of Ayatollah Khamenei, may God protect him. The central themes of the nineteenth part of the Quran include monotheism, resurrection, prophecy, fighting polytheism, and moral and social deviations. After explaining the main concepts, this article extracts educational principles and methods from the educational implications of the verses so that they can be used as a guide for educators and trainees in the process of Islamic education. The main question of the following article is: "What are the educational principles and methods that can be extracted from the nineteenth part of the Quran and Ayatollah Khamenei's view about them?" To reach the answer, the researcher tries to analyze the contents of the verses using a descriptive and analytical method. The most important research results are the extraction of educational principles that include monotheism-centered, guardianship-based, piety-centered, epistemology-centered, and insight-centered, as well as educational methods that include gradualism-centered, coherence-centered, and friendship-centered. These principles and methods play an effective role in shaping the belief system of the educators in their social education based on the monotheistic system, and pave the way for achieving human perfection and eternal happiness and providing a comprehensive model of Islamic education based on the Quran and the views of religious authorities. It seems that the results of this research have the necessary efficiency as a reference for future research in the field of Islamic education.

Keywords: Education, Religious education, Monotheism, Insight, Epistemology, Acceptance of responsibility

مطالعات جامعه‌شناختی
و فلسفی

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

1. Assistant Professor, Islamic Studies, Martyrs of Mecca, Farhangian, Tehran, Iran.
dadgar@cfu.ac.ir



دلالت‌های تربیتی جز نوزدهم قرآن کریم در ساحت اعتقادی

با تأکید بر دیدگاه آیت اله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۱۹)

سیدامین اله دادگر^۱

چکیده:

با توجه به اهمیت تربیت در اسلام و نقش آن در شکل‌دهی به شخصیت انسان، این مقاله به بررسی دلالت‌های تربیتی جزء نوزدهم قرآن کریم در ساحت تربیت اعتقادی با تأکید بر دیدگاه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی می‌پردازد. موضوعات محوری جزء نوزدهم قرآن شامل توحید، معاد، نبوت، مبارزه با شرک و انحرافات اخلاقی و اجتماعی است. در این مقاله پس از تبیین مفاهیم اصلی، از دلالت‌های تربیتی آیات، به استخراج اصول و روش‌های تربیتی می‌پردازد تا بتواند به عنوان راهنمایی برای مربیان و متربیان در فرایند تربیت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.

سؤال اصلی نوشته پیش رو عبارت است از «اصول و روش‌های تربیتی قابل استخراج از جزء نوزدهم قرآن و دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای درباره آن‌ها چیست؟ برای رسیدن به پاسخ، محقق تلاش دارد با روش توصیفی و تحلیلی مفاد آیات را واکاوی نماید. مهم‌ترین نتایج پژوهشی عبارت از استخراج اصول تربیتی که شامل توحید محوری، ولایت‌پذیری، تقوا مداری، شناخت‌شناسی و بینش محوری می‌شود و نیز روش‌های تربیتی که شامل تدریج مداری، انسجام‌گرایی و دوستی‌گزینی می‌گردد. این اصول و روش‌ها در شکل‌دهی به نظام باورهای متربیان نقش مؤثری در تربیت اجتماعی آنان مبتنی بر نظام توحیدی ایفا می‌کنند و دستیابی به کمال انسانی و سعادت ابدی و ارائه الگویی جامع از تربیت اسلامی بر اساس قرآن و دیدگاه‌های مرجعیت دینی را هموار می‌سازند. به نظر

۱. استادیار، معارف اسلامی، شهدای مکه، فرهنگیان، تهران، ایران. dadgar@cfu.ac.ir





می‌رسد نتایج این تحقیق به عنوان مرجعی برای پژوهش‌های آینده در حوزه تربیت اسلامی کارایی لازم را دارد.

واژه گان کلیدی: تربیت، تربیت اعتقادی، تربیت اخلاقی، توحید، بینش، شناخت شناسی، ولایت پذیری

مقدمه

سامان دادن به نظام تربیتی اسلام، از رهگذر گردآوری گزاره‌های تجویزی و توصیفات اسلام درباره ساحات تعلیم و تربیت می‌گذرد. از میان ساحات تربیت، ساحت تربیت اعتقادی اهمیت مضاعفی دارد چراکه عقاید و شکل‌دهی به باورهای دینی زیربنای ساخت شخصیت انسان سالم و صالح است و سایر ساحات تربیت بر مبنای آن شکل و جهت می‌گیرد. از سویی یکی از مهم‌ترین اهداف رسالت انبیای الهی، تزکیه و تهذیب نفوس و تکمیل ارزش‌ها و مکارم اخلاقی معرفی شده است. بااینکه شناخت و تمییز خوب از بد در نهاد انسان ودیعه‌گذاری شده است اما بروز و شکوفایی آن به تربیت نیاز دارد، ازاین‌رو تربیت در ساحت اخلاقی حائز اهمیت می‌گردد.

قرآن خود برنامه کامل تربیت انسانی در همه ساحات تربیتی است که منبعی غنی برای پژوهش را فرا روی محققین می‌گستراند که حسب فهم و بینش خود از آن گوهرهای آن صید نمایند. ازاین‌روی نوشتار حاضر تلاش دارد دلالت‌های تربیتی جزء نوزدهم قرآن را در دو ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی را استخراج و در اختیار همگان قرار دهد. جزء نوزدهم از آیه ۲۱ سوره فرقان شروع شده و تمام ۲۲۷ آیه سوره شعراء را در برگرفته و درنهایت به ۵۵ آیه اول سوره نمل، ختم و حدود ۴۰۰ آیه را شامل می‌شود. از مهم‌ترین موضوعات این جزء می‌توان به اصول اعتقادی، توحید، علم‌بیپایان پروردگار، نظارت او بر همه چیز در عالم هستی و حاکمیت او در میان بندگان؛ معاد و دعوت پیامبران خدا و به‌ویژه بیان نبوت پیامبر ﷺ و مبارزه با شرک و مشرکان و انذار از عواقب شوم کفر و بت‌پرستی و گناه اشاره کرد. هم‌چنین در راستای تربیت اخلاقی مؤمنان، جزء نوزدهم از سرگذشت پیامبران بزرگ الهی، برخوردهای لجوجانه مردم با آنان، مبارزات پیامبران با انواع انحرافات اخلاقی و اجتماعی، دستوراتی به پیامبر ﷺ در زمینه روش دعوت و چگونگی برخورد با مؤمنان، حکومت حضرت سلیمان و برخورد ایشان با ملکه سبا و چگونگی ایمان آوردن او به توحید حکایت می‌کند.

مطالعات اجتماعی
و جامعه‌شناسی

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

روش تحقیق

این پژوهش از نوع تحقیقات کیفی و تحلیلی است که با روش کتابخانه‌ای و تحلیل محتوای آیات جزء نوزدهم قرآن انجام شده است. داده‌ها از طریق بررسی تفاسیر قرآن و منابع مرتبط با تربیت اسلامی و دیدگاه‌های آیت الله خامنه‌ای مدظله العالی گردآوری شده و با استفاده از تحلیل محتوا، اصول و روش‌های تربیتی استخراج شده‌اند.

مفهوم شناسی

در ابتدا و قبل از پرداختن به دلالت‌های تربیتی جزء نوزدهم قرآن کریم، لازم است برخی مفاهیم تبیین شوند.

دلالت

دلالت، مفهومی انتزاعی که عقل آن را از رابطه میان دو شیء کشف می‌کند به این بیان که عقل از ویژگی و حالت شیء اول، علم به شیء دیگر پیدا کرده و وجود آن را کشف می‌کند. شیء اول را «دال» و شیء مکشوف را «مدلول» گویند و به فرایندی که طی آن عقل به وجود شیء دوم پی می‌برد، دلالت گویند مانند دلالت دود بر وجود آتش. پس حقیقت دلالت «انتقال نفس از تصور شیء به تصور شیء دیگر» است و دلیل این انتقال وجود ملازمه میان آن دو شیء است؛ مانند دلالت لفظ بر معنا زیرا واضح با وضع خود، مشابهتی میان لفظ و معنا ایجاد نموده که به سبب آن، میان تصور لفظ و معنای موضوع له، ملازمه‌ای حاصل می‌شود.^۱ دلالت بر سه نوع است:

۱. دلالت عقلی؛ هرگاه پیوند دال و مدلول، حقیقی واقعی تکوینی و دائمی باشد مانند رابطه علت و معلول که وجود معلول حاکی وجود حقیقی و واقعی علت است.
۲. دلالت طبعی؛ هرگاه پیوند دال و مدلول، برحسب طبع آدمی ایجاد شده باشد مانند رابطه سرخی صورت و خجالت.
۳. دلالت وضعی؛ هرگاه پیوند دال و مدلول، بر اساس اعتبار باشد مانند رابطه «چراغ قرمز» و لزوم «توقف» در این دلالت، واقعاً و تکویناً میان دال و مدلول ارتباطی نیست بلکه این رابطه قراردادی است که دلالت وضعی خود بر سه قسم می‌شود: الف. دلالت مطابقی (شمول دال، نسبت به تمام معنای مدلول) ب. دلالت تضمینی (شمول دال، نسبت به جزئی از معنای مدلول) ج. دلالت التزامی (شمول دال، معنایی خارج از مدلول - دوات و قلم)

به منصفه ظهور بگذارد. آنچه از اصول و روش‌های تربیتی که از آیات جزء نوزدهم استنباط شده در راستای ارکان تربیت اعتقادی متربی استخراج شده است.

تربیت اخلاقی

اخلاق در لغت به معنای سرشت و سجیه به کار رفته است.^۱ در زبان فارسی، اخلاق به عادت‌ها و رفتارهای فرهنگی؛ مجموعه رفتارهای پسندیده و رفتارهای شخص اطلاق می‌شود.^۲ بنابراین تربیت اخلاقی به پرورش ارزش‌ها و آداب متربی می‌پردازد و فرایندی است که طی آن مربی تلاش می‌کند تغییراتی تدریجی در حوزه صفات و رفتارهای اخلاقی متربی ایجاد کند تا وی به فضائل اخلاقی متخلق و از رذائل اخلاقی پرهیز نماید؛ بنابراین می‌توان تربیت اخلاقی را چنین تعریف نمود: فرایند یاری‌رسانی به متربی برای ایجاد تغییر تدریجی در ساحت صفت و رفتار اخلاقی دانست که به واسطه عامل انسانی دیگر و به منظور زمینه‌سازی در جهت تخلق وی به فضائل اخلاقی و تجنب از رذائل اخلاقی و درنهایت نیل به کمال اخلاقی صورت می‌گیرد.^۳ پرورش فضائل و ارزش‌های اخلاقی مانند، تقوا، ایمان، هدایت، فلاح و رستگاری در آیات جزء نوزدهم موج می‌زند.

دلالات‌های تربیتی

مراد از دلالت‌های تربیتی، فهم و تفسیر آیات و استنباط نکات در حوزه تربیت است که مجموع این دلالت‌ها در یک نگاه کلان در قالب اصول و روش‌های ناب تربیتی قابل ارائه است. اصول و روش‌های مزبور همه ساحات تربیت از جمله تربیت اعتقادی و اخلاقی را دربر می‌گیرند. گفتنی است در استنباط اصول و روش‌ها و دیگر مباحث مطرح شده، تأکید بر آن بوده که به متن آیات جزء نوزدهم و فارغ از دلالت ادله روایی اکتفا شود و حتی از آیات خارج از جزء نوزدهم نیز استفاده نگردد از این‌رو دلالت‌های تربیتی مستنبط، خاص جزء نوزدهم است. با این حال، در یک نگاه دیگر، می‌توان گفت برخی از اصول و روش‌های تربیتی با ساحت تربیت اعتقادی یا اخلاقی مسانخت بیشتری دارد که در این نوشتار از آن‌ها به دلالت‌های خاص تربیتی یاد می‌شود و برخی دیگر از اصول و روش‌ها اختصاص به ساحت خاصی ندارند و در همه ساحات تربیتی جریان پیدا می‌کنند

۱. جوهری، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۴، ص ۱۴۷۰: «وَالْخُلُقُ وَ الْخُلُقُ: السَّجِيَّة».

۲. انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۱، ص ۲۹۱، واژه اخلاق. برای مطالعه مباحث تفصیلی در این زمینه رک: علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج ۱ (مبانی و پیش فرض‌ها)، ویراست سوم، ص ۲۱۴.

۳. علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج ۲۱، ص ۱۵.



که از آن‌ها به دلالت‌های عام تربیتی یاد می‌شود.

پیشینه شناسی

با آنکه منابع تفسیری فریقین به تفسیر آیات جزء نوزدهم پرداخته‌اند و نکات ادبی و علمی آن را به فراخور دانش و مشرب فکری خویش تبیین نموده‌اند اما برحسب استقصاء نسبتاً تام، تاکنون کتاب، مقاله یا اثر پژوهشی درخور توجهی یافت نشده که به دلالت‌های تربیتی جزء نوزدهم و به‌ویژه با تأکید بر ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی به صورت یکجا بپردازد از این رو ضمن اینکه از تفاسیر موجود به نحو مقتضی در خلال بررسی آیات استفاده می‌شود اما از آن‌ها به عنوان پیشینه مقاله نمی‌توان یاد کرد؛ بنابراین مقاله از پیشینه خاصی برخوردار نیست و موضوع حاضر بدیع و نو است. گفتنی است برخی از پژوهش‌ها به صورت جداگانه به یکی از سه سوره فرقان، شعرا یا نمل ورود کرده‌اند و برخی از موضوعات را به یکی از این سه سوره عرصه و برداشت‌هایی را گردآوری کرده‌اند به طور نمونه در محمد علی آشنانی و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی آراء قرآن پژوهان فریقین در دلالت آیه ۲۱۹ سوره شعراء بر یکتاپرستی نیاکان پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام» در پی اثبات مؤمن بودن اجداد پیامبر گرامی اسلام است. غلامرضا بهروزی در مقاله «کشف دلالت‌های اجتماعی سیاسی سوره نمل با روش تحلیل محتوای کیفی»^۱ از میان چهل مضمون پایه از آیات درنهایت «ضرورت کسب قدرت علمی و اجتماعی برای گسترش حقایق دینی در جامعه بشریت» مضمون نهایی سوره نمل معرفی می‌کند. طاهره محسنی در مقاله «الگوی ارتباط مؤثر در سوره مبارکه نمل»^۲ شیوه‌های ارتباطی حضرت سلیمان با ملکه سبا را در حوزه ارتباطات (تغییر رفتارها، باورها و نگرش‌ها) را قابل الگوبرداری می‌داند به گونه‌ای که بر اساس آن تعاملات میان فردی، می‌تواند صبغه الهی یابد و همراه با آرامش و موفقیت باشد؛ اما روشن است که هیچ‌یک از این نوع تحقیقات به صورت منسجم تمام جزء نوزدهم و را با محوریت تربیت اعتقادی و اخلاقی مورد پژوهش قرار نداده‌اند.

دلالت‌های خاص

همان گونه که اشاره شد دلالت‌های خاص، مفهوم یا منطوق آیاتی است که تناسب بیشتری با تربیت اعتقادی یا اخلاقی دارند که در ادامه به مواردی در ساحت تربیت اعتقادی و سپس تربیت اخلاقی اشاره می‌شود:

مطالعات سبک
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

۱. پژوهش‌های قرآنی سال بیست و چهارم بهار ۱۳۹۸ شماره ۱ (پیاپی ۹۰)

۲. مطالعات سبک شناسی قرآن کریم، سال ششم، شماره ۲، پیاپی ۱۱، زمستان ۱۴۰۱ ش.

۱. توحید محوری

بنیان دین و اساس دعوت و تعالیم انبیاء الهی، توحید است. اعتقادات، اخلاق و احکام شریعت، برمدار توحید می‌گردند. هدف از تربیت در اسلام، شکوفاسازی سرشت خداخواهی و تقرب به خدا که کامل آدمی است، به شمار می‌رود؛ بنابراین اساس تربیت بر توحید محوری استوار است؛ از این رو باید تمامی اهداف، اصول، روش‌ها و اقدامات تربیتی در راستای خداخواهی و خداپرستی سامان یابد و آدمی را به کمال نهایی و سعادت ابدی رهنمون سازد.

اساساً تربیت اسلامی خواستار تثبیت توحید در اندیشه، احساس و رفتار است.^۱ از این رو، گزینش برنامه‌های تربیتی باید به نحوی صورت پذیرد که انگیزه رضایت خداوندی در مربی روز به روز فزونی یابد تا جایی که وی بدون کسب رضایت الهی به هیچ عملی اقدام نکند. انتقال روحیه‌ی تعهد در مربی برای تطبیق اعمال با معیار و ملاک الهی بارزترین ثمرهای است که از توحید محوری حاصل می‌شود.^۲ تربیت بر اساس توحید محوری در عمل مبتنی بر به‌کارگیری اقدامات تربیتی مانند ارائه شناخت ذات و صفات خدا به مربی برحسب توان فهم و درک وی؛ تصحیح باورها و رفع شبهات ذهنی مربی درباره خدا، معرفی الگوهای توحیدی از قرآن و روایات در قلب داستان و استفاده از ابزار هنر و مانند آن است که بحث درباره چگونگی و کیفیت آن، خود مجال دیگری می‌طلبد.

در جزء نوزدهم توحید و خدااباری موج می‌زند به‌گونه‌ای که واژه «رَبِّی» هفت مرتبه و از زبان انبیاء الهی و در شرایط و موقعیت‌های مختلف صادر شده که تأییدی بر توحید محوری در فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی و هدایتی آنان است: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي (فرقان ۷۷)؛ فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا (شعراء ۲۱)؛ فَوَهَّبَ لِي رَبِّي حُكْمًا (۶۲)؛ إِنْ حَسَابُهُمْ إِلَّا عَلَي رَبِّي (۱۱۳)؛ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ (۱۸۸)؛ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي... فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (نمل، ۴۰)» در این آیات موسی علیه السلام اعطای حکمت و دانش به او و هدایت پیدا کردن را از خداوند معرفی می‌کند؛ نوح علیه السلام خداوند را تنها کسی معرفی می‌کند که جزای کار بندگان را می‌دهد؛ شعیب علیه السلام از علم خداوند به احوال بندگان خبر می‌دهد و سلیمان علیه السلام نیز خداوند را به صفت غنی و بی‌نیازی می‌ستاید. محور همه این آیات، توصیفاتی اعتقادی و در مسیر خدااباری و توحید است که انبیاء به عنوان مربیان الهی آنان را در سبک و سیره رفتاری و عملی خویش ظهور و بروز می‌دهند و دعوت و هدایت خدا را بر آن

۱. جمیله علم الهدی، جنسیت در تربیت اسلامی، ص ۸۴.

۲. شهاب الدین مشایخی، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، ص ۵۶.



استوار می‌کنند که این سیره از سوی مربیان عادی قابل تأسی است و به‌ویژه در تعلیم و تربیت اسلامی باید به عنوان یک اصل قلمداد شود.

آیات ۲۳-۲۸ سوره شعراء نیز به بهترین وجه به توحید و توصیف خداوند از زبان موسی علیه السلام اشاره دارد و او را خدای زمین و آسمان، خدای انبای بشر و خدای مشرق و مغرب معرفی می‌کند. «قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ * قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ مُوقِنِينَ * قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ، أَلَا تَسْمَعُونَ * قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ * قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ * قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» آیات ۷۷-۸۳ نیز به توصیف پروردگار و نعمت‌های مادی و معنوی او اشاره دارد: «فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبُّ الْعَالَمِينَ * الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ * وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ * وَإِذَا مَرَضْتُ فَهُوَ يَشفِينِ * وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ * وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ * رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَالْجَنَّةَ بِالْصَّلَاحِينَ» ابراهیم علیه السلام در این آیات برای مشخص ساختن معبود حقیقی، نخست به سراغ خالقیت پروردگار مرود، سپس مقام ربوبیت او را در همه مراحل روشن می‌سازد: نخست مرحله هدایت است، سپس مرحله نعمت‌های مادی و سرانجام مرحله زندگی جاودانی در سرای دیگر که در آنجا نیز ربوبیتش در چهره بخشش مواهب و آموزش گناه جلوه‌گر می‌شود و به این ترتیب بر پندار خرافی خدایان متعدد و ارباب انواع خط بطلان می‌کشد و سر تعظیم بر آستان پروردگار فرود می‌آورد.^۱

مقام معظم رهبری در تعریف توحید می‌فرماید: توحید عبارت است از اعتقاد به خدا و کفر به طاغوت؛ عبودیت خدا و عدم عبودیت غیر خدا؛ «تعالوا الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لا نشکر به شیئا» (آل عمران، ۶۴) نمی‌گوید «لا نشکر به احدا» - البته یک جایی هم «احدا» دارد، اما اینجا اعم از آن است - می‌فرماید: «و لا نشکر به شیئا»؛ هیچ چیزی را شریک خدا قرار ندهید؛ یعنی شما اگر از عادات بی‌دلیل پیروی کنید، از انسان‌ها پیروی کنید از نظام‌های اجتماعی پیروی کنید این برخلاف توحید است؛ همه‌ی این‌ها شرک به خداست و توحید عبارت است از اعراض از این شرک.^۲ و در تعریفی دیگر می‌فرماید: توحید، هم اعتقاد به وجود خداست، هم نفی الوهیت و عظمت متعلق به بت‌ها و سنگ‌ها و چوبه‌ای خودساخته و انسان‌های مدّعی خدایی و انسان‌هایی که اسم خدایی کردن هم نمی‌آورند، اما می‌خواهند عمل خدایی کنند. پس در عمل، دو وظیفه

مطالعات اجتماعی
وضوح بیشتر

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۲۵۸-۲۵۹.
۲. بیانات رهبری در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۲۳ آبان ۱۳۹۱ ش.

وجود دارد: یکی اطاعت از خدای متعال و عبودیت پروردگار عالم و دوم سرپیچی از اطاعت «انداذ الله»؛ (ابراهیم، ۳۰) هر آن چیزی که می‌خواهد در قبال حکمروایی خدا، بر انسان حکمروایی کند.^۱

ایشان هدف از ارسال رسل که بارها در قرآن تکرار شده است را توحید و عبودیت خدا و اجتناب از طاغوت نمی‌دانند: از ارسال رسل، تعبیر شده است به بعثت و برانگیختن... پیغمبری که در جامعه‌ای ظهور می‌کند، فقط این نیست که آمده تا یک چیزهایی را به مردم یاد بدهد؛ بلکه سمت و سوی این برانگیختگی عبارت است: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ؛ أَوَّلًا عِبُودِيَّةَ خُدا، یعنی چهارچوب حیات را در خدمت اوامر الهی و نواهی الهی قرار دادن؛ و [ثانیاً] اجتناب از طاغوت... معنای اجتناب از طواغیت این است که یک خطی در مقابل خط توحید و خط عبودیت الهی وجود دارد و آن، خط طاغوت است. کفر به طاغوت، همراه و ملازم با ایمان بالله است؛ این، جهت بعثت انبیا است.^۲ و در مجالی دیگر می‌فرمایند: «فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى»؛ (بقره ۲۵۶) کفر به طاغوت وجود دارد، بعدش هم ایمان به خدا. خب، این معنایش همان آزادی است؛ یعنی شما از همه‌ی قیود، غیر از عبودیت خدا، آزادید. ایشان یگانه حلال مشکلات بشر را مسئله توحید برمی‌شمارند: در باب محتوای اسلامی [در تهیه الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت]، اولین مسئله‌ای که باید در نظر گرفته شود، مسئله‌ی مبدأ و توحید است... مهم‌ترین مشکل دنیایی که امروز در غرب متجلی است جدائی از خدا و اعتقاد به خدا و التزام به اعتقاد به خداست... اگر مسئله‌ی مبدأ حل شد، بسیاری از مسائل حل خواهد شد.^۳

۲. ولایت‌پذیری

در جزء نوزده و مطابق آیه ۲۲ سوره فرقان «وَقَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا» و با توجه به روایات تفسیری^۴ مفاد آیه درباره اصل ولایت‌پذیری ائمه حق: و تولی آنان است. به گونه‌ای که امام رضا (ع) فرمودند: خداوند عمل افراد را تنها با ولایت ما اهل بیت می‌پذیرد و هرکس ولایت ما اهل بیت را نداشته باشد

۱. بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹ ش.

۲. بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴ فروردین ۱۳۹۸ ش.

۳. بیانات رهبری در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹ ش.

۴. علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۳۸۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: «وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ بِيَدِهِ لَوْ أَنَّ عَبْدًا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِعَمَلٍ سَبْعِينَ نَبِيًّا مَا قَبِلَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ حَتَّى يَلْقَاهُ بِوَلَايَتِي وَوَلَايَةِ أَهْلِ بَيْتِي قِسْمٌ بِهِ خَدَائِي» که جان محمد در دست اوست، اگر بنده‌ای در روز قیامت اعمالی به اندازه‌ی اعمال هفتاد پیامبر را عرضه کند، خداوند آن را از او قبول نمی‌کند تا اینکه او را طرفدار ولایت من و ولایت خاندانم ببیند.



مشمول این آیه خواهد بود.^۱ تولی، مصدر باب تفعّل از ماده «وَلَّى» به معنای قرب و نزدیکی،^۲ جایگزینی^۳ و دوست، یاور و سرپرست آمده است.^۴ ولایت به معنای سرپرستی و یاری کردن، از همین ماده است.^۵ به هر حال تولی از کسی، به معنای تبعیت و رضایت داشتن از او است.^۶ از این رو می توان گفت تولی هم دوست داشتن خدا و اهل بیت (علیهم السلام) و هم اطاعت و تبعیت از ایشان است و تبری بیزاری جستن و عدم تبعیت از دشمنان خدا و اهل بیت (علیهم السلام) است.

تولی و تبری نقش مؤثری در تربیت اعتقادی و اخلاقی انسان دارد؛ چراکه لازمه اعتقاد راسخ به یک عقیده و مسلک، جانب داری از آن و علاقه و محبت به پیشوایان و نفرت از مخالفان آنان است. دوست داشتن پیشوایان دینی و بیزاری از دشمنان ایشان از عواطف مهم انسانی است که در تربیت اخلاقی و اعتقادی فرد اثرگذار است و به فرایند تربیت، جهت داده و آن را در مسیر اهداف متعالی تربیت سوق می دهد. مطابق دیدگاه اهل بیت (علیهم السلام)^۷ اصل دین داری چیزی جز ولایت پذیری و تبری نیست از این رو محور تربیت دینی در همه ساحات به ویژه تربیت اعتقادی و اخلاقی باید بر اساس این اصل رکن، استوار گردد و همه اهداف و برنامه های تربیتی مطابق آن، تراز شود. تولی خدا و اهل بیت (علیهم السلام) مرتبی را به تبعیت از الگوهای سازنده، شناخت و فهم معارف ناب دینی و اجتناب از منکرات و گناهان سوق می دهد و به مرور سبب تغییرات مثبت و پایدار در رفتار و عقاید او می شود. هم چنین سبب پرورش فضائل و ارزش های اخلاقی در مرتبی شده که به اذعان برخی، آن اندازه که مصاحبت نیکان و ارادت و محبت آنان در روح مؤثر است، خواند صدها جلد کتاب اخلاقی مؤثر نیست.^۸

۱. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص ۱۷۵
۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۴۱: «واو واللام والياء: أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على قرب. من ذلك الوليُّ: القرب»؛ محمد بن احمد ازهری، تهذیب اللغة، ج ۱۵، ص ۳۲۱: «الْوَلِيُّ: القُربُ»؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح، ج ۶، ص ۲۵-۲۸: «الْوَلِيُّ: القُربُ و الدنو».
۳. حسن بن عبدالله عسکری، الفروق فی اللغة، ص ۲۷۸: «أصل الولی جعل الثانی بعد الأول من غیر فصل».
۴. علی بن اسماعیل، ابن سیده، المحکم و المحيط الأعظم، ج ۱۰، ص ۴۵۸: «و الْوَلِيُّ: الصديق و النصير».
۵. محمد بن حسین، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ج ۴، ص ۴۸۹.
۶. همان، ص ۴۱۴: «تَوَلَّيْتُ فلاناً أی اتَّبَعْتُهُ وَرَضِيتُ بِهِ».
۷. ر.ک: محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۱۷۱: «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) فِي حَدِيثٍ أَنَّهُ قَالَ لَهُ يَا زَيْدُ وَ يَحْكُ وَ هَلِ الْيَتِيمُ إِلَّا الْحَبُّ أَلَا تَتَرَى إِلَى قَوْلِهِ قَالَ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ «۳» - أَوْ لَا تَتَرَى قَوْلَ اللَّهِ لِمُحَمَّدٍ ص حَبِّ إِلَيْكُمْ الْإِيمَانُ وَ زَيْنَتُهُ فِي قُلُوبِكُمْ «۴» - وَ قَالَ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ «۵» - فَقَالَ الْيَتِيمُ هُوَ الْحَبُّ وَ الْحَبُّ هُوَ الْيَتِيمُ».
۸. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (علیه السلام)، ص ۶۹-۷۰.

در جزء نوزده و مطابق آیه ۲۱۶ سوره شعراء «فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تَعْمَلُونَ» ابراز برائت از اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی ناپسند، لازم دانسته شده و خداوند به پیامبر ﷺ دستور می‌دهد اگر تو را نافرمانی کنند به آنان بگو: من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم. ابراز بیزاری و تبری از ایده، بینش و منطق غلط، زمینه رواج آن را از بین می‌برد و از موضع حق و نگرش صحیح، دفاع می‌کند. در تربیت اعتقادی و اخلاقی نیز تبری از افکار و برنامه‌های منحط که روح و روان متربی را مورد هجمه قرار می‌دهد و او را از مسیر صراط مستقیم منحرف می‌سازد، قدم اول در مبارزه با آن است. مؤلف تفسیر قمی می‌نویسد: «فَإِنْ عَصَوْكَ» یعنی اگر بعد از تو، در مورد ولایت علی و امامان از نسل ایشان: تو را نافرمانی کنند، بگو: من از آنچه شما انجام می‌دهید بیزارم! و با موضع غیراصولی شما مخالفم.

مقام معظم رهبری در این رابطه می‌فرمایند: ما با دشمنان، با استکبار سرآشتی نداریم و با برادران مسلمان بنای بر دشمنی و عداوت نداریم؛... این خط مسلم جمهوری اسلامی است.^۱ در فرازی دیگر در تبری و دوری از دشمنان خدا می‌فرمایند: این مایه‌ی افتخار ما است که بدسیرتان و روسپاهان مشهور عالم از ما متنفر باشند. ما نیز از آنان و کردارهای زشت و دست‌های آلوده‌ی آنان متنفر و بیزاریم.^۲

۳. تقوا مداری

تقوا از ماده «وقی» به معنای دفع يك شیء از شیئی دیگر به واسطه چیز دیگر و حفظ آن است.^۳ به اعتقاد برخی از لغت‌شناسان تقوا، اتخاذ چیزی است که انسان را از خطری که در کمین او است، حفظ کند.^۴ این واژه گاهی به معنای «خوف» استعمال می‌شود که این استعمال از باب تسمیه يك شیء به نام مقتضی آن است.^۵ معنای اصطلاحی این واژه نیز احساس مسؤولیت و تعهدی است که به دنبال رسوخ ایمان در قلب، بر وجود انسان حاکم می‌شود و او را از فجور و گناه باز می‌دارد، به نیکی و پاکی و عدالت دعوت می‌کند و اعمال آدمی را خالص و فکر و نیت او را از آلودگی‌ها می‌شوید.^۶

۱. بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ ش.

۲. پیام به کنگره عظیم حج، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۵ ش.

۳. احمد بن فارس، معجم مقائیس اللغة، ج ۶، ص ۱۳۱: «الواو والقاف والياء: كلمة واحدة تدل على دفع شيء عن شيء بغيره»

۴. علیرضا، اعرافی، قواعد فقهی، ص ۲۶۴.

۵. حسین بن محمد، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۸۱.

۶. احمد علی بابایی، برگزیده تفسیر نمونه: ج ۴، ص ۵۱۰.



در راستای تربیت اعتقادی و اخلاقی یکی از مهم‌ترین اقدامات تربیتی انبیاء دعوت مردم به تقوا است. تقوا مطلق است و همه امور و ابعاد زندگی فرد را دربر می‌گیرد. موضوع تربیت، انسان است که دارای امیال و رغبات متنوعی است و شرط تربیت کردن او برانگیختن این امیال به سوی تغییرات مثبت و سازنده و جلوگیری از سرکشی و مهار آن است که در این میان تقوا و خود نگهداری زمینه‌ساز التزام قلبی و درونی انسان نسبت به اوامر و نواهی الهی و سوق یافتن انسان به سوی اعمال صالح و ارزش‌ها و پرهیز از منہیات شرعی و رعایت حدود الهی می‌شود. تقوا، سبب دوری از گناهان و ارتکاب اعمال صالح شده که برآیند این فعل و ترک، سبب ایجاد و ارتقاء ایمان و باور فرد می‌شود که خود عاملی برای تقویت باورهای اعتقادی و التزام به ارزش‌های دینی و اخلاقی می‌شود.

امر به تقوا به کرات در جزء نوزدهم از زبان انبیای الهی آمده است به گونه‌ای که می‌توان گفت امر به طاعت الهی و دعوت به تقوا یکی از محورهای اصلی برنامه‌های هدایتی و تربیتی انبیاء الهی در این جزء به شمار می‌رود: عبارت «فَتَقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» در آیات ۱۰۸؛ ۱۱۰؛ ۱۲۶؛ ۱۳۱؛ ۱۴۴؛ ۱۵۰؛ ۱۶۳؛ ۱۷۹ عیناً تکرار شده و بر اهمیت تقوا و اطاعت الهی تأکید می‌ورزد. هم‌چنین آیه ۵۳ سوره نمل، نجات و رستگاری انسان از عذاب الهی را تقوا برمی‌شمارد: «وَأُنَجِّيًا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» دسته‌ای دیگر از آیات حکایت از آن دارند که دعوت به تقوای الهی از مهم‌ترین برنامه‌های تربیتی و هدایتی انبیاء عظام بوده است به گونه‌ای که جزء ۱۹ در سوره شعراء دعوت به تقوا را از زبان بسیاری از پیامبران نسبت به قوم خویش نقل می‌کند: «إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۶۱﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۵﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۲۴﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۶۱﴾ إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿۱۷۷﴾» آیات دیگری هم به طور مستقیم مردم را مورد خطاب قرار داده است که نسبت به پروردگار عالم که خالق و روزی دهنده شما است تقوا داشته باشید: «وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ ﴿۱۳۴﴾ أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمَ وَبَنِينَ ﴿۱۳۳﴾ وَاتَّقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْجِبِلَّ الْأُولِينَ ﴿۱۷۸﴾»

مقام معظم رهبری در تعریف تقوا می‌فرمایند: «تقوا، یعنی مراقب بودن و دچار غفلت نشدن... تقوا، یعنی انسان حالت پرهیز و بر حذر بودن داشته باشد؛ پرهیز کند از این که بلغزد؛ پرهیز کند از این که با سر در جایی سرنگون شود. وقتی شما در یک مسیر کوهستانی کوهنوردی می‌کنید... اگر نسبت به هر قدمی بی‌توجهی کنید، سرنوشت شما به مخاطره می‌افتد؛ لذا هر قدمی را که برمی‌دارید، ناچارید با دقت بردارید؛ این معنای تقواست و در همه‌ی امور زندگی ساری و جاری

است»^۱. از دیدگاه ایشان تقوا، سرمایه‌ای است که موفقیت‌های دنیایی و آخرتی آدمی را تضمین می‌کند از این رو به جوانان چنین توصیه می‌کنند: «اگر جوان، در دوره‌ی جوانی سعی کند تقوا داشته باشد؛ بزرگ‌ترین سرمایه را هم برای درس، هم برای فعالیت‌های سازندگی، هم برای عزت دنیوی، هم برای به دست آوردن دستاوردهای مادی و هم برای معنویت - اگر اهل معنویت است - به دست آورده است. حتی برای آن آفاق بسیار دور و درخشان معنویت هم تقوا سرمایه است»^۲. ایشان حکمت تکرار تقوا در آیات الهی و بیانات معصومین: را چنین تبیین می‌فرمایند: «امر به تقوا، در هر برهه‌ای از زمان، از لحاظ مصداق، یک معنا پیدا می‌کند. کبرای کلی تقوا همیشه یکی است و یک مفهوم دارد؛ اما از لحاظ جزئیات - یعنی مواردی که انسان باید در آن‌ها رعایت تقوا را بکند - به حسب موارد، ده‌ها معنا پیدا می‌کند. لذا است که توصیه‌ی به تقوا همچنان لازم و ضروری است». ایشان در تفسیر آیات با عنوان «فَتَقَوُّوا اللَّهَ وَاطِيعُونَ» نیز می‌فرمایند: «اتَّقُوا اللَّهَ یعنی مراقب خدا باشید؛ مواظب باشید که خدای متعال متوجه شماست. تقوا، یعنی همین مراقب بودن». ایشان در فرازی دیگر به نقش تربیتی تقوا در زندگی بشر اشاره داشته می‌فرمایند: «تقوا مخصوص مؤمن هم نیست؛ غیر مؤمن هم اگر تقوا داشته باشد، تقوایش، او را به ایمان هدایت خواهد کرد. بیشتر دورماندن‌های از هدایت ناشی از بی‌تقوایی است؛ یعنی بی‌اهتمامی نسبت به سرنوشت؛ جدی نگرفتن عاقبتی که در انتظار هر انسانی هست؛ جدی نگرفتن مسئله‌ی عبور از مرز مرگ و زندگی. این‌ها موجب می‌شود که انسان حالت مراقبت نداشته باشد؛ لذا به دنبال این که راه هدایت چیست، نمی‌گردد؛ دنبال این که سرنوشت او پس از مرگ چه خواهد شد، نمی‌رود؛ دنبال این که خدا - که خالق ما و آفریننده‌ی این جهان است - از ما چه می‌خواهد، به جستجو بر نمی‌خیزد. این همان حالت بی‌تقوایی است؛ اما اگر همین انسان این دغدغه‌ها را داشته باشد - که این دغدغه‌ها از نشانه‌های تقواست - حرکت می‌کند، تلاش می‌کند و دنبال راه حقیقت می‌گردد»^۳.

۴. توکل مداری

توکل در لغت به معنی واگذاری و تفویض^۴ و بریدن از غیر خدا^۵ و در اصطلاح به

۱. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۷-۹-۱۳۷۹ ش.

۲. بیانات در دیدار تشکل‌های مختلف دانشجویی دانشگاه‌های تهران ۲۴-۱۰-۱۳۷۷ ش.

۳. بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۷-۹-۱۳۷۹ ش.

۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۴۰۵.

۵. فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۵، ص ۴۹۳.



معنای اعتماد قلبی به خدا^۱ و واگذاری تمام امور به مالکش آمده است.^۲ در اصطلاح نیز توکل یعنی انسان در پیمودن راه حق، به خود تزلزل راه ندهد و مطمئن باشد که اگر در زندگی، هدف صحیح و خداپسند خود را در نظر بگیرد نه منافع شخصی را و اگر فعالیت خود را متوجه انجام وظیفه کند؛ خداوند او را تحت حمایت خود قرار می‌دهد.^۳ یکی از اصول مهم تربیتی، اتکال به نیروی لایزال الهی است. توکل و اعتماد به خدا زمینه‌ساز شکل‌گیری و رشد بسیاری از محاسن و ارزش‌های اخلاقی در انسان است و اثر سازنده‌ای در تربیت اخلاقی و رشد معنوی او دارد. هر کس بر خدا توکل کند عنایت خدا را همراه دارد و با عنایت و تأیید خدا که يك سنت الهی است، رسیدن به هدف قطعی است. پیداست که فرایند تربیت نیز مستثنا از این قاعده نیست و تحقق اهداف تربیتی مستلزم توکل و اعتماد به خدا است. از این رو خداوند در آیه ۵۸ سوره فرقان به پیامبر ﷺ به عنوان مربی انسان دستور می‌دهد که در راه تربیت و هدایت انسان‌ها به خدا توکل نماید: «وَتَوَكَّلْ عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ وَكَفَىٰ بِهِ بُدْنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا» و توکل کن بر آن زنده‌ای که هرگز نمی‌میرد؛ و تسبیح و حمد او را بگو؛ و همین بس که او از گناهان بندگان‌اش آگاه است. علامه طباطبایی درباره معنای آیه می‌فرماید: خداوند را در کار مردم وکیل بگیر تا به هر چه بخواهد درباره آنان حکم کند و هر چه خواست با آنان انجام دهد. چون او وکیل بر مردم و بر همه موجودات است و اینکه فرمود: «عَلَى الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ» برای این بود که به علت حکم هم اشاره کند و بفهماند خدایی که حی است و هرگز نمیمیرد از او چیزی فوت نمیشود. پس تنها او است که میتواند وکیل باشد؛ و معنای اینکه فرمود: «وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ» این است که خدای را از عجز و جهل و از هر چیزی که لایق ساحت قدس او نیست منزله بدار، درحالی که این تنزیهت مقارن با ثنای جمیل او نیز باشد و اگر کفار را مهلت داده بدان که از عجز و زبونی و از جهل به گناهان آنان نبوده... پس هم سزاوار تسبیح و هم حمد است.^۴ توکل در لغت به معنای واگذاری و تفویض است^۵ و وقتی با «علی» می‌آید به معنای اعتماد کردن به کسی یا چیزی است.^۶ توکل بر خدا داشتن خود مستلزم نترسیدن از سختی‌ها و مشکلات تربیت دیگران است از این رو آیه، به نوعی از تربیت مربی نیز سخن می‌گوید

۱. محمد، فیض کاشانی، المحجة البيضاء، ج ۷، ص ۴۰۵.

۲. عبدالله انصاری، منازل السائرین، ص ۲۷.

۳. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۱، ص ۴۱۳.

۴. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵، ص ۲۳۲.

۵. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۵، ص ۴۰۵.

۶. حسین بن محمد، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۸۲.

و به او این امید را می‌دهد که در راه تربیت و تعالی متریان، از شکست نهراسد و با آرامش و بدون اضطراب به کار خود ادامه دهد. آنچه گفته شد نسبت به تربیتی نیز صادق است و او با توکل به خدا می‌تواند به روند تغییرات سازنده در خویش امیدوار باشد. هم‌چنین در سایه توکل به خدا و اعتماد به او، آدمی در انجام امور قوت قلب پیدا نموده و از تردیدها و ترس‌ها در مسیر رشد و تعالی می‌رهد.

گفتنی است توکل به خدا با عدم اقدام و بی‌تدبیری نسبتی ندارد و آدمی باید در همه امور نهایت توان و تلاش خود را بکار گیرد و نتیجه را به خدا واگذار کند. به لحاظ اعتقادی، انسان مؤمن می‌داند مشیت و اراده الهی نیز در کار است و تلاش و کوشش او شرط لازم نتیجه و مطلوب است اما کافی نیست بلکه اراده و مشیت و توفیق الهی مکمل کار است و تلاش‌ها را به نتیجه مطلوب می‌رساند. دستور خداوند به پیامبر ﷺ در این آیه مبنی بر توکل کردن به او در انجام وظایف هدایتی و تربیتی؛ هم نوعی تربیت مربی است و هم تکیه بر یک اصل تربیتی که در فرایند تربیت، مربی تنها به امور ظاهری اکتفا نکند و به امور معنوی نیز اهتمام داشته باشد. البته نباید از نظر دور داشت که توکل بر غیر، آن است که آدمی غیر خود را بر امری از امور تسلط دهد که آن امر، هم با شخص متوکل ارتباط و نسبت دارد و هم با موکل؛ هم‌چنین اسباب عادی به خاطر اینکه در تأثیر خود مستقل نبوده و در ذات خود بنیاز از غیر خود نیستند به ناچار مبادی کسی که در مقاصد و اغراض زندگی‌اش متوسل به آن‌ها میشود در عین توسلش به آن‌ها، متوکل بر غیر آن‌ها و سببی که فوق آن‌ها است بشود تا آن سبب، سببیت این اسباب عادی را سبب شود و در نتیجه سببیت این‌ها تمام گردد، که اگر چنین توکلی بکند بر طبق روش صحیح و طریق رشد و صواب رفتار کرده، نه اینکه اسباب عادی را که خداوند، نظام وجود را بر اساس آن‌ها بنانهاده مهمل دانسته هدف‌های زندگی خود را بدون طریق طلب کند، که چنین طلبی ضلالت و جهل است.^۱

حقیقتی که مقام معظم رهبری نیز به آن تصریح کرده و می‌فرماید: «توکل یعنی کار را انجام دادن و نتیجه را از خدا خواستن».^۲ توکل معنایش این نیست که کار را رها کنید بنشینید تا خدا بیاید عوض شما کار را انجام بدهد؛ این نیست؛ توکل این است که شما راه بیفتید، عرق بریزید، تلاش کنید، آن وقت یقین داشته باشید که خدای متعال شما را کمک خواهد کرد.^۳ ایشان در این توصیه عام که مربیان و متریان را هم شامل می‌شود اظهار می‌دارند که در برابر سختی‌ها و مخالفت‌ها

۱. سید محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۱، ص ۲۱۸-۲۱۹.

۲. بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۳۰ تیر ۱۳۹۲ ش.

۳. بیانات رهبری در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ﷺ خرداد ۱۳۹۵ ش.



و مشکلات راه تربیت، به خداوند توکل نمایند.^۱ چراکه رمز پیروزی بر مشکلات توکل به خدا است.^۲ به واقع آن چیزی که به تلاش ما برکت می‌دهد و اراده و عزم ما را راسخ می‌کند، توکل و توجه به خدای متعال و اخلاص است.^۳

۵. مدارا محوری

یکی از اصول مهم تربیتی، عفو از خطاهای متربی و مدارا با اوست. عفو در لغت به معنای گذشت و ترك کردن^۴ آمده است. مدارا نیز به معنای «به نرمی رفتار نمودن»^۵ و حسن معاشرت با مردم و تحمل آن‌ها است.^۶ یکی از عوامل موفقیت پیامبر ﷺ در مقام هدایت و تربیت، بکارگیری از عفو و مدارا با مردم بود. به واقع راز اجتماع مردم پیرامون پیامبر ﷺ، پیوند عاطفی و رفتار همراه با لین و مدارای ایشان بود که از خلق عظیم ایشان نشأت می‌گیرد. از این رو مربی در مقام تربیت می‌تواند رفق و مدارا را به عنوان ابزاری اثرگذار در جذب متربی و ایجاد انگیزه لازم برای تغییر و اصلاح در او به کار گیرد. عفو و مدارا در تربیت به لحاظ مفهومی قربابت معنایی زیادی با واژه «تغافل» دارد که در لغت به معنای «تعمد در غفلت»^۷ «خود را بی‌خبر و غافل نشان دادن از روی قصد و عمد»^۸ «چشم‌پوشی کردن و نادیده انگاشتن»^۹ است. تغافل، چشم‌پوشی و گذشت متربی در صورت احراز خطای متربی است و یکی از نتایج آن عدم برخورد تند با متربی و هدف از این نادیده انگاری، تحقق هدف تربیتی است. مدارا هم به معنای شدت عمل نداشتن در رفتار که نتیجه آن، اغماض از خطای متربی است؛ از این رو تغافل ماهیتی درمان‌گرانه و پسینی دارد و مدارا حالت پیشگیرانه دارد. تغافل غیر از غفلت است و غفلت متربی از متربی، مذموم است. مربی برای انجام تربیت مؤثر، باید بر احوال و حالات، توانش‌ها و تفاوت‌های متربیان اشراف و وقوف داشته

مطالعات اجتماعی و تربیتی
رضاندر

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳

۱. بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۶-۲-۱۳۹۵ ش.
۲. بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۰ بهمن ۱۳۹۰.
۳. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۷ دی ۱۳۹۰.
۴. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۲۵۸: «العفو: تركك إنسانا استوجب عقوبة»؛ احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۵۸: «العین و الفاء و الحرف المعتل أصلان يدلُّ أحدهما على ترك الشئ و الآخر على طلبه»؛ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۵، ص ۷۲: «و هو التَّجَاوُزُ عن الذنب و تركُ العقابِ علیه».
۵. احمد بن محمد مقرئ فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، ج ۲، ص ۱۹۴.
۶. اسماعیل بن عباد، صاحب بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۹، ص ۳۴۳.
۷. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۴۱۹.
۸. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج ۲، ص ۱۷۹۹.
۹. حسن عمید، فرهنگ عمید، ص ۲۹۵.

باشد. بر اساس پایش مصالح متربی و اولویت بندی آن‌ها، در مواردی مربی از خطای متربی آگاه است ولی از روی اراده و عمد، خود را غافل نشان می‌دهد؛ زیرا با تغافل احتمال اصلاح و تغییر متربی بیشتر است. مدارا کردن مربی با متربی نیز چنین تقریری دارد، در غالب موارد مدارا لازمه تربیت و اصلاح است مگر در مواردی که نیاز به تنبیه باشد که در این صورت، رفق جایی ندارد هرچند که می‌توان گفت در تنبیه نیز مدارا حکم می‌کند که مربی، از مرتبه خفیف شروع کند تا به مراتب شدیدتر برسد؛ از این رو بسته به شرایط و نیز شناخت مربی از حالات و روحیات متربی، در مواردی تأمین مصالح اهم با تغافل کردن محقق می‌شود ولی در غالب موارد، مدارا کردن، تحقق اهداف تربیتی را امکان‌پذیرتر می‌سازد. با این بیان به نظر می‌رسد تغافل خود نوعی مدارا کردن با متربی باشد یعنی لازمه مدارا- جهت رشد متربی یا اصلاح او- نادیده انگاری خطاهای او است. در این صورت، ادله مدارا اعم از ادله تغافل است.^۱

در جزء نوزدهم، آیه «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» (سوره فرقان، ۶۳) از برخورد مداراگونه و عاقلانه مؤمنین با جهال و سلام گفتن به آنان خبر می‌دهد. سلامی که نشانه بی‌اعتنایی توأم با بزرگواری است، نه ناشی از ضعف، سلامی که دلیل عدم مقابله به مثل در برابر جاهلان و سبک مغزان است، سلام وداع گفتن با سخنان بی‌رویه آن‌ها است، نه سلام تحیت که نشانه محبت و پیوند دوستی است، خلاصه سلامی که نشانه حلم و بردباری و بزرگواری است. یکی دیگر از پدیده‌های باعظمت روحی عباد الرحمن تحمل و حوصله است که بدون آن هیچ انسانی راه دشوار و پرفرازونشیب عبودیت و بندگی خدا را طی نخواهد کرد مخصوصاً در جوامعی که افراد فاسد و مفسد و جاهل و نادان در آن فراوان است.^۲ به هر حال آیه شریفه، مدارا و حلم و حوصله را از صفات بارز مؤمنان برمی‌شمارد. در فضای تربیت نیز یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت مربی، سخت‌گیری نکردن نسبت به رفتارهای متربیان و گذشت هدفمند از خطاهای آنان است.

از دیدگاه مقام معظم رهبری مدارا، راه آمدن با مردم و دنبال نقطه اشتداد و اختلاف نگشتن است. مدارا در جامعه، آرامش و زندگی راحت را برای همه فراهم می‌کند.^۳

۱. کاظمی و دیگران، اصل رفق و مدارا و شبکه مفاهیم مرتبط در تربیت اسلامی، تربیت متعالی، شماره ۳، ص ۲۱، ۱۴۰۱ ش.

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۴۹.

۳. سخنرانی اخلاقی رهبری درباره مدارا با مردم، ۲ تیر ۱۳۹۹.



ایشان نقش برخورد همراه با عفو و مدارا را در تربیت کودک بسیار لازم و مؤثر می‌داند و نسبت به پیامدهای آن هشدار می‌دهند: طبع نازک و روحیه لطیف و احساس پاك کودک، بیش از همه به برخورد های نرم و عاطفی نیازمند است. خشونت پدر و مادر و سختگیری های بی حساب، نفرین و دشنام و تنبیه بدنی کودک، خلاف شرع و عقل است و نتیجه آن، چیزی جز سوء تربیت فرزندان نیست.^۱

۶. صبر گرایی

صبر به معنای خود نگهداری از جزء و بی تابی^۲ و استقامت در برابر مشکلات است. صبر از مفاهیم اخلاقی است که ارزش گیری دارد یعنی در صورتی ارزشمند است که برای رسیدن به یک ارزش والای دیگر باشد؛ به عنوان نمونه صبر متعلم در فرایند یادگیری در صورتی ارزشمند است که برای اهداف والای الهی باشد، اما اگر برای اهداف غیرشرعی باشد، ارزش اخلاقی ندارد.^۳ صبر محصول معرفت ایمانی است و با شناخت الهی و در سایه تربیت اعتقادی شکل می‌گیرد. این شناخت درجاتی از ایمان را در انسان معتقد به وجود می‌آورد و ایمان، منجر به درجه‌ای از توکل می‌شود. رفتار صبورانه هم موجب تعمیق معرفت الهی شده و ارتقای معرفت توحیدی، موجب درجه بالاتر ایمان می‌شود.^۴

جزء نوزدهم درباره اصل تربیتی صبر سفارش هایی دارد از جمله اینکه به مؤمنین توصیه می‌کند در مواجهه با جهال، صبر پیشه کنند و برخورد مسالمت آمیز داشته باشند: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا» [خاص خداوند] رحمان، کسانی هستند که با آرامش و بی تکبر بر زمین راه می‌روند و هنگامی که جاهلان آن‌ها را مخاطب سازند [و سخنان نابخردانه گویند]، به آن‌ها سلام می‌گویند [و با بی اعتنایی و بزرگواری می‌گذرند]. گفتنی است در این آیه گزینش رفتار تعاملی و سازنده با جهال مستلزم صبر بر رفتار ناشایست آنان است از این رو صبر در این آیه با دلالت التزامی قابل برداشت است. در سایه این صبر و استقامت خداوند هم بهشت را روزی صابران قرار می‌دهد: «أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلْقَوْنَ فِيهَا حَيَّاتٍ وَسَلَامًا». مطابق روایات تفسیری^۵ مراد از غرفه



دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۱. سید علی خامنه ای، زن و خانواده، ص ۸۵.

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۷، ص ۱۱۵؛ و صاحب ابن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۸، ص ۱۳۴: «الصَّبْرُ: خَبَسَ النَّفْسَ عَنِ الْجَزَعِ»؛ اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، ج ۲، ص ۷۰۶.

۳. علیرضا اعرافی، فقه تربیتی، ج ۷، ص ۱۸۱-۱۸۲.

۴. محمد رضا علاء الدین و دیگران، سیر تحلیلی رفتار صبر، ص ۱۷۲.

۵. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۶.

در این آیه، بهشت است که به دلیل صبر بر فتنه‌ها و مشکلات دنیا خداوند به مؤمنین عطا می‌کند. یکی از عوامل موفقیت مربی و متربی در فرایند تربیت کردن و تربیت‌پذیری صبر بر مشکلات است. صبر اصل حاکم در مقام تربیت کردن و تربیت‌پذیری است^۱ و هم مربی برای پیشبرد اقدامات تربیتی و هم متربی برای تغییر تدریجی پیدا کردن در جهت رشد و اصلاح رفتارها باید شکیبایی به خرج دهند تا اهداف تربیتی محقق گردند. یکی از مهم‌ترین عوامل تحقق اهداف تربیتی صبر و شکیبایی معلم در فرایند تربیت است، از ویژگی‌ها و اقتضائات سنی و عقلی متربیان به‌ویژه در اوان تعلیم و تربیت، جنب و جوش و تحرک بالای آنان است که معمولاً تمرکز برای یادگیری را کاهش می‌دهد از این رو صبر معلم در تعلیم و تربیت یگانه ابزار کارآمد به شمار می‌رود.

مقام معظم رهبری لازمه حرکت تکاملی انسان را صبر و توکل دانسته و در تعریف صبر و توکل می‌فرماید: «صبر یعنی این عزم را، این اراده را نگه داشتن، حفظ کردن». از دیدگاه ایشان صبر علاوه بر امور فردی (کار و تحصیل، خانواده) کارکرد اجتماعی (اداره و مدیریت جامعه) نیز دارد و «با بی‌صبری، با شتاب‌زدگی، با بی‌حوصلگی، با تنبلی، با مأیوس شدن در مواجهه با مشکلات نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد، نمی‌شود مسئولیت مهم پیشرفت کشور را به انجام رساند».^۲

۷. شناخت شناسی

یکی از روش‌های مؤثر تربیت اعتقادی، شناساندن آیات و یادآوری نعمت‌های الهی به متربی است تا در سایه آن، اعتقاد به خداوند قادر متعال به عنوان خالق نعمت‌ها، در درون وی نهادینه و اطاعت پروردگار در رفتار و کردار وی نمایان شود. واقعیت این است که در بسیاری از موارد، عدم التفات و التزام متربی به آموزه‌های اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی، ناشی از غفلت از خدا است از این رو مربیان راستین بشر در گام نخست برای تربیت آدمی، با یادآوری نعمت‌های الهی، زنگار غفلت را از او می‌زدایند: «فبعث فیهم رسله و واتر الیهم انبیاءه... و یذکروهم منسی نعمته».^۳ خداوند رسولانش را در میان انسان‌ها مبعوث ساخت و پیامبران را پی در پی به سوی آن‌ها فرستاد تا... نعمت‌های فراموش شده او را یادآوری کنند. در فرایند تربیت نیز یکی از وظایف مربی، تلاش برای غفلت زدایی متربی از طریق یادآوری و شناساندن نعمت‌های الهی به متربی است تا زمینه

۱. علی‌رضا اعرافی و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، ج ۲، ص ۱۰۶.

۲. بیانات رهبری در دیدار مسئولان نظام، ۳۰ تیر ۱۳۹۲ ش.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱.



توجه به پروردگار و شناخت او و نیز خواسته های او از جمله التزام به مکارم اخلاق و پرهیز از رذایل اخلاقی فراهم آید. گفتنی است روش یادآوری نعمت های الهی به عنوان یک روش تربیتی از سوی خداوند مورد استفاده قرار گرفته است و آیات متعددی که به تذکار و یادآوری نعمت ها دلالت دارند مانند: «اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْهَا فَادْكُرُوا أَلَاءَ اللَّهِ»^۲ خود گواه این مدعا است اما چون در جزء نوزدهم موردی یافت نشد، از آن صرف نظر می گردد.

در اهمیت یادآوری نعمت های الهی همین بس که خداوند آن را یکی از رسالت های انبیاء قرار داده است.^۳ آیات ۷-۸ سوره شعراء: «وَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» و نیز آیات ۴۵ تا ۵۰ سوره فرقان: «لَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسُ عَلَيْهِ دَلِيلًا * ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا * وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا * وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا * لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَأَنْسَاءً كَثِيرًا * وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا» باروش تربیتی یادآوری نعمت های ملموس چون آفتاب و سایه، روز و شب، باد و باران، زمین و گیاهان که آدمی مدام با آن ها سروکار دارد اما از آن ها غافل است، تلاش دارد سرشت خفته آدمی را بیدار کند و او را به خالق نعمت ها رهنمون سازد: «وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا» بکارگیری روش یادآوری نعمت ها، متربی را از غفلت می رهاند و او را متوجه باری تعالی و شکرگزار او ساخته و تلاش می کند در جهت رشد و تعالی، به اصلاح رفتارها اقدام کند و خود را در معرض تغییرات مثبت تربیتی قرار دهد. به واقع در سایه این روش ابتدا اعتقادات و سپس صفات، رفتار و کردار او اصلاح می شود از این رو دو ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی متربی دستخوش تغییرات سازنده می شود.

آیات ۱۳۲-۱۳۴ سوره شعراء نیز از هود عليه السلام یاد می کند که برای تحریض قوم خود به اطاعت خدا و شکرگزاری دربار الهی به تشریح نعمت های الهی بر آنان می پردازد: «وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ * أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمٍ وَبَنِينَ * وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ» و از (نافرمانی) خدایی بپرهیزید که شما را به نعمت هایی که مدانید،

۱. سوره فاطر، آیه ۳؛ بقره، آیه ۲۳۱؛ آل عمران، آیه ۱۰۳.

۲. اعراف، آیات ۶۹ و ۷۴

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱: «فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَّزِلَتْ فِيهِمْ أَنْبِيَاءُهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَيُذَكِّرُوهُمْ مَنَنْ نِعْمَتِهِ»

امداد کرده است و نیز شما را به چهارپایان و نیز پسران (لایق و برومند) امداد فرموده است و باغ‌ها و چشمه‌ها به شما ارزانی فرموده است. بدین ترتیب، زندگی شما را هم از نظر نیروی انسانی، هم کشاورزی و باغداری و نیز دامداری و وسایل حمل و نقل پربار ساخته، به گونه‌ای که در زندگی خود احساس کمترین کمبود و ناراحتی نداشته باشید. ولی چه شد که بخشنده این همه نعمت‌ها را فراموش کردید و شب و روز بر سر سفره او نشستید و او را نشناختید.

مقام معظم رهبری یکی از نشانه‌های یادآور بودن نعمت‌های الهی را شکرگزاری کردن آن معرفی کرده و می‌فرماید: «مشکل انسان‌های طغیانگر و سرکش این است که موجودی خودشان را از خودشان می‌دانند، از لطف الهی و از توجّه الهی غافل می‌شوند. شما با توجّه تان، با توسّلتان، با سجده تان، با دست بلند کردن و دعا کردن تان نشان دادید که دچار غفلت نیستید و میدانید که این نعمتی را که با آن سرفراز شده‌اید، خدای متعال به شما داده... و همین‌ان شاء الله موجب خواهد شد که موقّعیّت هایتان بیشتر بشود... این حرکت شما که نشان‌دهنده‌ی دانایی شما به نعمت الهی است، یک مرتبه‌ی مهمی از شکر است»^۱.

۸. بینش محوری

یکی از روش‌های تربیت اعتقادی و اخلاقی، ارائه بینش و آگاهی به مربی است. مهم‌ترین بینشی که قرآن به انسان ارائه می‌دهد، بینش توحیدی است تا در سایه آن، انسان به خدا معرفت لازم را پیدا کند و این اولین قدم در راه تغییر و تربیت است. اصولاً رفتارهای آدمی متأثر از بینش و اطلاع نسبت به آن رفتارها است به گونه‌ای که هر چه بینش انسان کامل‌تر باشد، رفتارها به شکل صحیح و منطقی بروز پیدا می‌کند. رشد بینش، خود متغیری وابسته به شناخت دنیای پیرامون خود، جهان آخرت و آگاهی و شناخت از حقایق مانند مرگ و زندگی است. از عوامل مهم تربیت اعتقادی و اخلاقی، ارائه بینش صحیح و غفلت زدایی از مربی است. بخش معتناهی از رهنمودهای قرآن به بُعد شناختی انسان ارتباط دارد و تربیت‌پذیری آدمی در بعد اخلاقی و اعتقادی، مرهون تغییر و تحوّل در بینش و نگرش اوست. گاه، مقتضیات زمانی و مکانی و نیز شرایط محیطی بر افکار آدمی سایه می‌افکند و سبب انحراف اخلاقی و اعتقادی می‌شود که در این صورت اولین قدم برای اصلاح و تغییر، اعطای بینش و اصلاح نگرش‌ها است که پیامبران الهی در این راستا تلاش می‌نمودند نسبت به حقایق جهان هستی، بینشی صحیح به مردم ارائه دهند. در

۱. بیانات رهبری در دیدار مدال‌آوران کاروان ورزشی ایران ۲۳ آبان ۱۳۹۷ ش.



جزء نوزدهم، آیات ۶۹-۷۳ سوره شعراء به عملکرد ابراهیم علیه السلام اشاره دارد که برای مبارزه با بت پرستی در قدم اول، به ارائه بینش می پردازد و از مردم می پرسد آیا وقتی بت ها را می پرستید آن ها صدای شما را می شنوند و سود و زیانی به شما می رسانند؟! «وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ * إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ * قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَظَلُّ لَهَا عَكِفِينَ * قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمْ إِذْ تَدْعُونَ * أَوْ يَنْفَعُونَكُمْ أَوْ يُضُرُّونَ» یا در ماجرای ساحران و موسی علیه السلام که آیات ۴۱-۴۲ سوره شعراء به آن اشاره دارد به وضوح می توان نقش ارائه بینش صحیح را در تغییر و اصلاح آدمی را مشاهده کرد. ساحران تا قبل از مواجه شدن با دعوت موسی علیه السلام نهایت سعادت خویش را در تقرب به فرعون می دانستند: «فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَنَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ الْغَالِبِينَ * قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» هنگامی که ساحران آمدند، به فرعون گفتند: «آیا اگر ما پیروز شویم، پاداش مهمی خواهیم داشت؟» گفت: «آری و در آن صورت مسلماً شما از مقربان خواهید بود»؛ اما پس از مشاهده آیات الهی و معجزه موسی علیه السلام از غفلت به در آمده و دچار تحول روحی عمیقی شدند و به خدای متعال ایمان آوردند. موسی علیه السلام از طریق مواجه کردن ساحران با حقیقت، عقل و جان ساحران را آگاه ساخت که بنا به برخی دیدگاه ها، این مؤثرترین روش ارائه بینش است.^۱ هم چنین آیه ۴۴ سوره نمل از روش ارائه بینش و اصلاح اعتقادات ملکه سبا توسط حضرت سلیمان علیه السلام حکایت می کند که سبب شد سر به آستان اطاعت باری تعالی بگذارد: «قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» (ملکه سبا) گفت: پروردگارا! من به خود ستم کردم و (اینک) با سلیمان به خداوندی که پروردگار عالمیان است، اسلام آوردم. به طور کلی می توان گفت بیان فرجام اقوام گذشته، اعمال و رفتار نیک و بد آن ها، پاداش ها و مجازات های الهی همگی، نوعی اعطای بینش به مخاطب آیات قرآن است تا نسبت به معارف اعتقادی و اخلاقی تعلیم ببیند و از سرنوشت آن ها درس عبرت بگیرد.

مقام معظم رهبری درباره آگاهی بخشی و ارائه بینش می فرمایند: روشن کردن افکار عمومی و آگاهی بخشی، امروز یکی از نیازهای اصلی دنیای اسلام و جامعه است؛ زیرا دشمنان برای مقابله با اسلام، با ابزارهای دین و اخلاق وارد شده اند که باید کاملاً هوشیار بود... امیرالمؤمنین علی علیه السلام در آن دوران فتنه به یاران خود نهیب می زدند که این راه حق و صادقانه ای را که در پیش گرفته اید، رها نکنید و مبادا سخنان فتنه گران در دل های شما سستی به وجود آورد.^۲

مطالعات اجتماعی و پژوهش‌های علمی

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۱. حمید قاسمی، روش های تربیتی در داستان های قرآن، ص ۱۷۴.
۲. بیانات رهبری در دیدار جمع زیادی از مردم استان بوشهر، ۶ تیر ۱۳۸۹ ش.

۹. موعظه گرایی

یکی از روش‌های مهمی که در فرایند تربیت نقش به سزایی دارد و همواره مورد تأکید بزرگان دین بوده و به عاملین تربیت گوشزد می‌شده، به کارگیری روش موعظه و نصیحت در تعامل با متربی است. موعظه به عنوان یک روش تربیتی، مورد توجه و تأکید قرآن نیز هست از این رو می‌توان به اعتبار و مشروعیت آن در تربیت اخلاقی و اعتقادی متربیان حکم کرد. از سویی دیگر به دلیل تأثیر موعظه در احساس و عواطف انسانی، گستره وسیعی از مخاطبین در هر مرتبه و سطحی را شامل می‌شود؛ از این رو در منظومه تربیتی اسلام می‌توان از آن به عنوان یک اصل تربیتی نیز یاد نمود. موعظه به معنای نصیحت^۱ و به یادآوری آنچه مایه رقت و نرمی دل شود و کلام نیک^۲ آمده است. بیان فرجام شوم گناهکاران و سخن از عذاب و خشم الهی، خاصیت بر حذر کنندگی دارد و انسان عاقل را از ارتکاب گناه بازداشته و به انجام اعمال صالح ترغیب می‌سازد.

آیات ۱۳۵-۱۳۸ از موعظه هود به قومش خبر می‌دهد و آنان را از عاقبت شوم شرک و گناه آگاه می‌سازد تا اعتقادات آن‌ها تصحیح شود: «اتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيْعٍ آيَةً تَعْبَثُونَ * وَتَتَخَذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ * وَإِذَا بَطَشْتُمْ بَطَشْتُمْ جَبَّارِينَ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا * وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ * أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَمَ وَبَيْنَ * وَجَنَّتْ وَعُيُونٍ * إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ» ذکر مجازات و عقوبتی که امت‌های گذشته را در برگرفت، بهترین وسیله پند اهل ایمان و پرهیزگاران است هرچند ممکن است برخی این گونه عقوبت‌ها را صرف یک قصه و واقعه تاریخی تلقی نموده بدون این که از آن پند گیرند.^۳ به بیان دیگر اطلاع از فرجام مخالفت با فرامین و حدود الهی، خود بهترین موعظه‌ای است که موجب بصیرت دینی و ثبات تقوای الهی مؤمنان می‌گردد.^۴

آیات ۸۷-۸۹ «وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ * يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ» با توصیه شرایط و حالات انسان در قیامت به نوعی در پی موعظه آدمی است تا به سوی انجام اعمال صالح ترغیب شود و گناه دست نکشد.

۱. اسماعیل بن حماد، جوهری، الصحاح، ج ۳، ص ۱۱۸: «الْوَعْظُ: التَّصْحِيحُ»؛ محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۴۶۶: «المَوْعِظَةُ: التَّصْحِيحُ»؛ سید محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس، ج ۱۰، ص ۴۹۸: «وَالْوَاعِظُ: النَّاصِحُ».

۲. خلیل بن احمد فراهیدی، العين، ج ۲، ص ۲۲۸: «وَهُوَ تَذْكِرَةُ إِيَاحِ الْخَيْرِ وَنَحْوِهِ مِمَّا يَرْقُ لَهُ قَلْبُهُ».

۳. سید محمد حسین، حسینی همدانی، انوار درخشان، ج ۱، ص ۲۰۰.

۴. محمد جواد بلاغی، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۹۹: «وَتَزِيدُ بِالنِّسْبَةِ لِلْمُتَّقِينَ أَنْ تَكُونَ لَهُمْ مَوْعِظَةً تَزِيدُهُمْ بَصِيرَةً فِي الْإِيمَانِ وَالْمَعْرِفَةِ وَتُسَدِّدُهُمُ لِلثَّبَاتِ عَلَى التَّقْوَى»



گاهی قرآن به شکل غیرمستقیم آدمی را موعظه می‌کند و در اصطلاح به در می‌گوید تا دیوار بشنود. با این توضیح که برای تربیت اعتقادی و اخلاقی متربی گاهی توصیف و تبیین اصل خوبی‌ها و بدگویی از زشتی‌ها و معرفی نمادهای خوبی و بدی، زمینه را برای انتباه و هوشیاری متربی فراهم می‌سازد و او را به تصحیح اعتقادات و گرایش به فضائل اخلاقی سوق می‌دهد. در آیات ۶۳ تا ۷۶ سوره فرقان، خداوند از این روش موعظه در تربیت استفاده کرده است: «وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا * وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَمًا * وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا * أَنْ هَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا * وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا * وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ أَثَامًا * يُضْعَفْ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَيَخْلُدْ فِيهِ مُهَانًا * إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا * وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا * وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا * وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَةِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا وَعُمْيَانًا» این آیات تابلویی از معارف اعتقادی و ارزش‌های اخلاقی مانند «عبادت، دعا، توبه، ایمان، عمل صالح، انفاق، عفو، برخورد کریمانه، پرهیز از نخوت و تکبر» فراروی انسان ترسیم می‌کند تا با پیروی و تبعیت از سبک رفتاری مطلوب، خود در مسیر رشد و تعالی گام بردارد.

رهبری «از موعظه هم غفلت نشود که من اول هم عرض کردم. همه احتیاج داریم به موعظه؛ همه، همه، بی‌استثنا! همه‌ی ما احتیاج داریم به موعظه. گاهی چیزهایی را میدانیم اما گاهی در شنیدن، اثری هست که در دانستن نیست؛ باید بشنویم موعظه را، مواعظ حسنه را. خب حالا این‌ها مواردی بود که به عنوان [موارد] کاربردی، عرض کردیم.»^۱

۱۰. انذار و تبشیر محوری

یکی از روش‌های انگیزه‌بخش برای تربیت متربی در ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی، انذار و تبشیر است. در جز نوزدهم در موارد متعددی به این روش اشاره شده است. خداوند، قرآن را مایه هدایت و بشارت مردم توصیف نموده «هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ» (نمل، ۲) چون قرآن، مؤمنان را به رهایی از دوزخ و رستگاری

مطالعات اجتماعی
و فرهنگ

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳



در بهشت و نعمت‌های الهی بشارت می‌دهد، بشری نامیده شده است.^۱ یکی از وظایف پیامبر ﷺ بشارت و انذار دادن مردم برشمرده است: «وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا» (فرقان، ۵۶) و به ایشان دستور می‌دهد که دیگران را انذار کند: «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ». (شعراء، ۲۱۴) همان‌گونه که وظیفه انذار به دیگر پیامبران هم نسبت داده شده است به‌گونه‌ای که آیه ۱۱۵ شعراء، نوح ﷺ را انذار دهنده معرفی می‌کند: «إِنَّا إِنَّا لَا نَذِيرُ الْمُتَبِينَ» انذار در لغت به معنای ترساندن همراه با یک خبر است.^۲ انذار روشی است که در آن بینش و عواطف مرتبی تحریک می‌شود تا وی مفاد هدایتی را بیاموزد و رفتار نادرست خویش را اصلاح کند. بیان پیامد و عواقب سوء رفتار و اعمال آدمی، زمینه را برای تنبه و بیداری انسان فراهم می‌کند و او را به اجتناب از معاصی و ارتکاب اعمال صالح وامی‌دارد. تبشیر به معنای اخبار همراه با شادی است.^۳ بشارت دادن نوعی یادآوری نتایج اعمال نیک آدمی است که سبب حرکت سازنده آدمی به سوی تغییرات مثبت و اصلاح و تربیت می‌شود. اصولاً تربیت کردن و ایجاد تغییر در مرتبی همراه با تحمل تکلف از سوی اوست و این امر با امیال و رغبات وی ناسازگار است از این رو مربی فهیم و ماهر برای کاستن از مشقت تربیت‌پذیری، باید از ابزار تشویق و ترغیب استفاده کند که یکی از مهم‌ترین آن‌ها، تبشیر و مژده دادن است که نور امید را در دل مرتبی روشن ساخته و او را برای رسیدن به اهداف والای تربیتی مصمم می‌سازد. خداوند متعال از روش تبشیر به عنوان یک روش تربیتی استفاده کرده است آنجا که می‌فرماید: «إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» (۷۰- فرقان) مفاد آیه این است آنان که توبه کنند و ایمان آورند و کار شایسته انجام دهند، خداوند بدی‌هایشان را به خوبی‌ها تبدیل می‌کند و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. این بیان بشارتی است برای گناهکاران تا با توبه همه خطاها و گذشته خویش را اصلاح کنند بلکه بالاتر از آن توبه، گناهان را به حسنات تبدیل می‌کند. به تقریری دیگر از شخص

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۳۳۰.

۲. اسماعیل بن حماد، جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۸۲۵.

۳. اسماعیل بن حماد جوهری، الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة، ج ۲، ص ۵۹۰؛ و البشارة المطلق لا تكون إلا بالخیر و إیمان‌تكون بالشر إذا كانت مقيدة به كقوله تعالى: فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، ص ۲۵۱؛ «الباء و الشین و الراء أصل واحد ظهور الشئ مع حسن یقال بَشَّرْتُ فُلَانًا أَنَّهُ بَشِيرٌ وَ تَبَشِيرٌ وَ بَشِيرٌ أَوْ ذَلِكَ یكون بالخیر»؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۶، ص ۲۵۹؛ «و البشارة: ما بُشِّرَتْ به؛ و التبشیر: المُبَشِّر بخیر أو شر»؛ اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ج ۷، ص ۳۳۰؛ «والبشیر: الذی یُبَشِّرُ الْقَوْمَ بِخَيْرِهِمْ وَ شَرِّهِمْ».



گناه کار واقعاً به سوی خداوند بازگردد و به تغییرات اصلاحی در عقیده و اخلاق خویش دست زند و راه جبران و صلاح را در پیش گیرد، خداوند هم به او بشارت می‌دهد که تمام گناهان وی را به حسنه تبدیل کند.

در سازوکار این روش باید گفت تبشیر به عنوان یک عامل جذب مردم را به کسب پاداش فرامی‌خواند اما انذار به عنوان یک عامل سوق دهنده، مردم را بیم مدهد تا از کیفر اجتناب کنند و آن‌ها را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد.^۱ به تقریری دیگر تبشیر انگیزه لازم برای تغییرات مثبت و سازنده را در مرتبی ایجاد می‌کند و انذار و ترساندن مرتبی از عذاب اخروی، زمینه اصلاح صفات و رفتار را در مرتبی ایجاد می‌کند که برآیند هردو اقدام، تربیت مرتبی در همه ساحات به‌ویژه تربیت اخلاقی و اعتقادی است. گفتنی است استفاده از این روش گاهی از سوی خود مرتبی است که نتیجه آن تهذیب نفس و خودسازی و اخلاق است و گاهی از سوی عامل تربیتی (پیامبر) که نتیجه آن تربیت و دگرسازی فردی و اجتماعی است که آیات ۵۶ فرقان و ۲۱۴ سوره شعراء به آن اشاره دارند.

یکی از اهداف جزء نوزدهم بیان سرگذشت و فرجام امت‌های گذشته به‌منظور انذار مؤمنین است که خداوند از به «آیه» یادکرده است تا مایه عبرت و پند امت اسلام شود. در ذیل به طوایفی از آیات اشاره می‌شود:

الف. سرگذشت قوم نوح؛ «وَقَوْمَ نُوحٍ لَمَّا كَذَبُوا الرُّسُلَ أَغْرَقَهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ آيَةً وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا». (فرقان، ۳۷-۳۹) «فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۱۹-۱۲۱).

ب. سرگذشت قوم موسی: «وَأَنْجَيْنَا مُوسَى وَمَنْ مَعَهُ أَجْمَعِينَ * ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخَرِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (فرقان، ۶۵-۶۷)

ج. سرنوشت قوم هود؛ «وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ * فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۳۸-۱۳۹)

ه. سرنوشت قوم ثمود؛ «قَالَ هَذِهِ نَاقَةُ لَهَا شَرْبٌ وَلَكُمْ شَرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ * وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ يَوْمٍ عَظِيمٍ * فَعَقَرُوها فَأَصْحَوْا نَدِيمِينَ * فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۵۵-۱۵۸)

و. سرنوشت قوم لوط؛ «فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ أَجْمَعِينَ * إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ * ثُمَّ دَمَرْنَا الْآخَرِينَ * وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۷۰-۱۷۴)

ز. سرنوشت قوم شعیب؛ «فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمْ عَذَابٌ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ * إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء، ۱۸۹-۱۹۰)
 ح. سرنوشت قوم صالح؛ «فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَّا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ * فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» (نمل، ۵۱-۵۲)
 در یک دسته‌بندی کلی از این آیات می‌توان گفت عذاب و هلاکت اقوام گذشته یا به جهت تربیت اعتقادی سوء مانند کفر، شرک و انکار توحید و تکذیب نبوت و یا به جهت تربیت اخلاقی سوء مانند جهل، انحرافات و مفساد اخلاقی بوده است. بیان فرجام شوم امت‌های گذشته از سوی پیامبر ﷺ نوعی انذار مردم است که در راستای تربیت و هدایت آنان انجام می‌گیرد. پیامبر ﷺ به عنوان مربی تلاش دارد با بیان این سرگذشت‌ها، تصویری روشن در اذهان عمومی ایجاد کند تا مردم بتوانند از این آیات به زشتی کفر و شرک و گناه و زیر پای گذاشتن ارزش‌های دینی و اخلاقی پی ببرند و به‌سوی فلاح و صلاح رهنمون شوند. ضمن اینکه بیان سرنوشت اقوام گذشته و لجاجت‌ها و مخالفت‌های آنان با پیامبران الهی خود روشی برای تربیت مربی (پیامبر ﷺ) است تا در راه هدایت و تربیت مردم ثابت‌قدم بماند و در مقابل مخالفت‌ها و مشکلات صبر پیشه کند و ثابت‌قدم و استوار باقی بماند. تربیت اعتقادی و اخلاقی متریان به‌ویژه در اوایل دوره تربیت، چندان با استدلال و برهان عقلی میانه‌ای ندارد و ره به جایی نمی‌برد بلکه بیان سرنوشت گناهکاران و ارائه تصویری از زندگی و عاقبت آنان در قالب بیان داستان زندگی اقوام گذشته، در انتقال محتوای اعتقادی (معاد و بهشت و جهنم) و اخلاقی به متریان مؤثرتر است.

مقام معظم رهبری در تبیین انذار و تبشیر می‌فرماید: «بشارت یعنی نیک‌روزی، انذار یعنی ترساندن از تیره‌روزی و پیغمبران آمده‌اند تا انسان‌ها را بشارت بدهند به نیک‌روزی‌هایی که در صورت تبعیت از آئین الهی در انتظار آن‌هاست و این نیک‌روزی، هم شامل نیک‌روزی دنیوی و هم شامل نیک‌روزی بعد از مرگ است... بشارت دادن انبیاء بشارت دادن به یک زندگی راحت و یک آینده توأم با همه‌ی زیبایی‌های بشری و انسانی با به کار بستن همه تعلیمات دینی است و انذار یعنی ترساندن از یک زندگی‌ای سخت و دشوار به خاطر به کار نیستن، تعلیم دینی و آموزش‌های دینی و استفاده نکردن از دین و عمل نکردن به آن‌هاست که از جهات مختلف زندگی سخت دنیوی در انتظارشان هست... عمده‌ی انذار و تبشیر پیغمبران مربوط به بعد از مرگ است، یعنی انسان‌ها را از عواقب بدرفتاری در دنیا ترساندن که در آخرت اثر خواهد کرد، و مژده دادن به



عواقب خوش رفتاری در دنیا که در بهشت اثر خواهد کرد».^۱

۱۱. تواضع مداری

تواضع از ماده وضع به معنای نهادن و پایین آوردن چیزی است.^۲ پس تواضع یعنی تذلل^۳ و فروتنی در برابر دیگران است.^۴ تواضع در اصطلاح علم اخلاق بدان معنا است که آدمی برای خود مزیتی بر دیگران نبیند و با کردار و گفتار خویش دیگران را بزرگ شمرده، به آنان احترام بگذارد.^۵ به طور طبیعی تواضع و فروتنی معلم نسبت به متعلم، زمینه تعامل بیشتر میان این دو را در فرایند تعلیم و تربیت فراهم می آورد و متعلم سؤالات و مشکلات علمی و معرفتی خود را راحت تر با مربی و معلم در میان می گذارد در نتیجه فرایند یادگیری و آموزش نیز بهبود می یابد.

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا (فرقان، ۶۳) بندگان خدای رحمان کسانی هستند که در روی زمین به فروتنی راه می روند و هنگامی که جاهلان آنان را مخاطب سازند، به ملایمت سخن گویند. «هَوْن» به معنای آرامش و وقار است.^۶ خداوند متعال راه رفتن همراه با آرامش و تواضع را از صفات مؤمنین برمی شمارد؛ بنابراین آیه از روحیه عباد رحمان و راه رفتن متواضعانه آن ها حکایت دارد. از این رو، می توان الغای خصوصیت کرده و به دلالت این آیات شریفه بر رجحان مطلق تواضع قائل شد.

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ (شعراء، ۲۱۵) آیه بر رجحان تواضع و نرم خویی در اقدامات تربیتی دلالت دارد. به اعتقاد بسیاری از مفسران «خفض جناح» کنایه از لزوم تواضع و نرمی و حسن خلق پیامبر ﷺ با مؤمنان است.^۸ این

مطالعات اجتماعی
و زندگی

۱. بیانات رهبری در جلسه بیست و ششم تفسیر سوره بقره، ۲۳-۱۳۷۱ ش.

۲. احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۶، ص ۱۱۷.

۳. خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۲، ص ۱۹۶؛ محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۳۹۷؛ فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۰۵.

۴. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ج ۸، ص ۳۹۷؛ و ج ۱۱، ص ۲۵۷.

۵. محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۴۳۷.

۶. محمد بن عبدالله، ابن العربی، أحكام القرآن، ج ۳، ص ۴۵ «الهُون: مصدر الهین فی معنی السکینه و الوقار. تقول: هو یمشی هونا»؛ (خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۴، ص ۹۲)؛ و «قوله: هَوْنًا: الهون هو الرفق و السكون و ذلك یكون بالعلم و الحلم و التواضع، لا بالمرح و الکبر و الریاء و المکر».

۷. علی اکبر قریشی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۱۶۹: «قوله تعالى: (الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا)؛ أى: برفق؛ و الهون بالفتح: الرفق و اللین؛ أى: الَّذِينَ يَمْشُونَ بسکینه و تواضع»؛ (فخر الدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۶، ص ۳۳۰)؛ و (وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا)؛ (فرقان، ۶۳). هون در جای حال و مراد از آن تواضع و وقار و آرامی است؛ یعنی بندگان خدا آنانند که در روی زمین با آرامی و تواضع راه می روند».

۸. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۳۵۷؛ محمد حسین طباطبائی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۹۲.

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

آیه در مقام تربیت مربی، خداوند به پیامبر سفارش می‌کند که چنین باشد و با متربیان (مؤمنین) این گونه برخورد کن. از این نحوه برخورد خداوند با پیامبر ﷺ رجحان تربیت مربی قابل استفاده است. تعبیر «خفض جناح» کنایه است از تواضع که یا بر تعامل، تربیت مؤمنین از سوی پیامبر ﷺ یا از ملازمت همیشگی ایشان با مؤمنین حکایت دارد. ۱. از این رو در تربیت تعامل سازنده مربی با مربی و نیز مصاحبت و همراهی با وی رجحان داشته و فرایند تربیت را تسریع می‌بخشد. آیه ۳ شعراء: «لَعَلَّكَ بَخِيعَ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» به همراهی همیشگی پیامبر با مؤمنین و شدت علاقه ایشان به ایمان آوردن و رستگار شدن آنان دلالت دارد این سبک رفتاری پیامبر در امر هدایت و تربیت، برای مربیان عادی قابل تبعیت و الگوگیری است و به طور طبیعی شدت حرص و علاقه مربی به یادگیری و تربیت مربی او را نیز به ایجاد تغییر سازنده و اصلاح رفتار در همه ابعاد تشویق و ترغیب می‌کند. تواضع مربی خود یکی از راه‌های جذب مربی و دلگرم کردن او به فرایند تغییر و یکی از رموز موفقیت مربی است. از این رو عبارت «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ» دلالت تربیتی دارد و از اثرگذاری تواضع مربی در فرایند تربیت حکایت می‌کند.

از دیدگاه مقام معظم رهبری خشوع در برابر پروردگار، نور بصیرت را بر دل آدمی می‌تاباند و سایه‌ی و هم‌آلود خودبزرگ‌بینی را از آن می‌زداید^۲ و اگر کسی برای خدا تواضع کند، خداوند روحاً و خلقاً او را بالا برده و مشمول کرامات خود قرار می‌دهد.^۳ از این رو یکی از رهنمودهای همیشگی ایشان به کارگزاران و مسئولین تواضع و خشوع مقابل خدای متعال و در مقابل ملت است. از دیدگاه معظم له، ملاک قرار دادن تواضع و خشوع و توجه به خدا در کارها خستگی و ملامت را از بین خواهد رفت.^۴ در فضای تعلیم و تربیت هم تواضع و تکریم معلم و هم تواضع و تکریم متعلم را لازم می‌دانند: از نظر اسلام همان طور که معلم احترام دارد و باید تکریم شود، متعلم هم باید تکریم شود در روایت آمده است: «تواضعوا لمن تعلّمون منه و تواضعوا لمن تعلّمونه»؛ از کسی که فرامی‌گیرید، تواضع کنید و کسی هم که از شما فرامی‌گیرد، تواضع کنید. «و لا تكونوا جبابرة العلماء». جبار دو نوع است: جبار سیاسی، جبار علمی... که برخوردش فرعونی بود، نه برخورد پدر با فرزند. معلم ممکن است درشتی هم بکند، اما درشتی غیر از تحقیر است؛ غیر از اهانت

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۱۹۳.

۲. پیام به سی و پنجمین نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا، ۲۶ شهریور ۱۳۷۹ ش.

۳. شرح حدیث جلسه بیست و چهارم، ۱۳۷۸/۸/۲۴ ش.

۴. رک: بیانات رهبری در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۲ آبان ۱۳۸۵ ش.



است. شاگرد را باید تکریم کرد.^۱

دلالت‌های عام

مراد از این نوع دلالت، دلالت‌هایی است که بر کل فرایند تربیت نظر دارد و شمول آن تربیت اعتقادی و اخلاقی را نیز شامل می‌شود.

۱. تدریج مداری

رعایت تدریج قانون هستی است و اساس خلقت و ارسال رسل بر تدریج بوده است. کمالات جسمی و روحی انسان نیز به تدریج شکل می‌گیرد و تربیت نیز که تغییر در صفات و رفتار آدمی (اعم از شکوفاسازی و اصلاح) است امری تدریجی و زمان‌بر است؛ بنابراین هر اقدام یا روش تربیتی در راستای تربیت اعتقادی و اخلاقی متربی باید به آرامی و به‌دوراز شتاب و عجله باشد تا زمان لازم برای تغییر، اصلاح و شکوفایی برای متربی فراهم شود که از آیه ۳۲ سوره فرقان «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ فُؤَادَكَ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا» می‌توان به لزوم رعایت تدریج در فرایند تربیت اعتقادی و اخلاقی استفاده کرد. فلسفه نزول تدریجی قرآن، یکی آمادگی مردم برای پذیرش احکام و معارف دین و دیگری ثبات، استواری و آرامش به مربی (پیامبر ﷺ) است تا فرصت لازم برای نهادینه کردن مفاد آموزشی را در خود فراهم سازد. بدون شك هم در تلقی وحی و هم از در ابلاغ آن به مردم اگر مطالب تدریجی و طبق نیازها بیان شود، بسیار مؤثرتر خواهد بود و اقتضای تربیت نیز این است که متربی گام به گام این راه را پیمایند.^۲ آیه به رعایت تدریج از سوی خداوند در تنزیل احکام و معارف قرآنی اشاره دارد و چون خود والاترین مربی بشر است، این مشی و رفتار او قابل تبعیت است و رعایت تدریج از سوی مربیان در تعلیم و تربیت متربیان به‌ویژه در تربیت اعتقادی و اخلاقی که از اهمیت و حساسیت بالایی برخوردار است، رجحان دارد. پیامبر ﷺ نیز در مقام هدایت و تربیت احکام و معارف دین را به تدریج برای مردم بیان می‌کرد که تبعیت از مشی ایشان برای مربیان مطلوبیت دارد و قابل تأسی است و آن‌ها هم در محتواهای تربیت اعتقادی و اخلاقی باید به تدریج و با توجه به میزان توان و فهم متربی مرحله به مرحله به پیش روند تا فرایند تربیت، اثر معکوسی بر جای نگذارد. بنا به تقریر دیگر، در این آیه شریفه، خداوند معلم، خاتم انبیا ﷺ، متعلم و علم، قرآن است. تدریج در تعلیم از سوی معلم، سبب

مطالعات تخصصی
و پژوهشی

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۱. بیانات رهبری در دیدار معلمان استان فارس، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۸۲.

تثبّت در یادگیری در متعلم می‌شود پس علت این تدریج، تثبّت روحی متعلم است؛ ازاین‌رو در فرایند تربیت شایسته است معلم، تدریج را رعایت کند. مقام معظم رهبری نیز تصریح می‌کنند که تدریج بر اعمال و حالات ما حاکم است. ایشان درباره دفعی یا تدریجی بودن تحول به‌ویژه تحول در آموزش و پرورش می‌فرمایند: «تحول لزوماً یک حادثه‌ی دفعی نیست؛ گاهی تحول تدریجاً انجام می‌گیرد؛ بی‌صبری نباید کرد. اگر چنانچه هدف‌گیری و نشان‌گیری درست انجام گرفته باشد و حرکت به معنای واقعی اتفاق بیفتد، اگر چنانچه به هدف تحول هم دیر برسیم ایرادی ندارد؛ عمده این است که راه را برویم، حرکت را انجام بدهیم و بی‌صبری نباید کرد»^۱ تحول [در آموزش و پرورش] باید بر اساس ایجاد یک الگوی مستقل ایرانی و برخاسته‌ی از معنویات و اسلام ناب... با هدف، تربیت نیروی انسانی طراز جمهوری اسلامی باشد.^۲

۲. الگوسازی

یکی از روش‌های مؤثر در تربیت تبعیت از الگوهای تراز و مطلوب است. روش الگویی یا مدلینگ نوعی رفتاردرمانی برای تغییر و تعدیل رفتار متربی است که ضمن یادگیری ادراکی، فرصت و امکان تقلید به فرد داده می‌شود. در روش الگوسازی تلاش مربی ترغیب متربی به انجام یا تداوم عمل و رفتار یا دارا شدن صفتی پسندیده است. در نظام تربیتی اسلام یکی از مهم‌ترین دستورات به مربیان و مصلحان این است که علاوه بر دعوت زبانی در عمل نیز پیش‌قدم باشند و اصول اعتقادی و اخلاقی را در عمل به مردم تعلیم دهند و در یک کلام خود الگوی شایسته برای مردم باشند تا مردم بالعیان رفتار و کردار آن‌ها را مشاهده کنند و درس بگیرند: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ أَلْوَرَاعَ وَالْإِجْتِهَادَ وَالصَّلَاةَ وَالْخَيْرَ فَإِنَّ ذَلِكَ دَاعِيَةٌ»^۳ واقعیت آن است که نبود الگو، فرایند تربیت و دستیابی به صفات اخلاقی را ناممکن یا بسیار کند می‌کند.^۴ بر اساس کارکرد سازنده الگو در تربیت و هدایت، انبیاء و اولیای الهی مهم‌ترین بخش از هدایت و تربیت را با عمل به نمایش می‌گذاشتند و امروزه فعل و سخن پیشوایان معصوم حجت و راهنمای عمل مؤمنان است و به همین دلیل است

۱. سخنرانی تلویزیونی رهبری به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ ش.

۲. بیانات رهبری در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ ش.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۷۸.

۴. اصغر، مجتهدزاده، بررسی روشهای تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق عليه السلام، ص ۵۹.



که عصمت در تمام پیامبران و امامان شرط است تا در همه زمینه‌ها الگو باشند.^۱ جزء ۱۹ قرآن کریم هم به معرفی الگوی نیک و بد می‌پردازد و هم به گزینش و تبعیت از الگوهای نیک و دوری جستن از الگوهای فاسد، فرمان می‌دهد. برای نمونه آیات ۱۵۱ و ۱۵۲ سوره شعراء اسراف‌کاران را یکی از الگوی منفور یاد کرده و از تبعیت آن‌ها نهی می‌کند: «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يَفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلِحُونَ» یا در آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳ کم فروشان را جزء الگوهای بد و فاسد معرفی کرده و از کم فروشی نهی می‌کند: «أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * ① وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ * وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» هم چنین دروغ‌گوین و نیز شاعران منحرف و گمراه از دیگر الگوی منحرف و فاسدی است که جزء نوزدهم در آیات ۲۲۱ تا ۲۲۴ سوره شعراء به معرفی آن‌ها پرداخته و با توجه به مذمت و سرزنش آن‌ها به ملازمه از تبعیت آن‌ها نهی می‌کند: «هَلْ أُنَبِّئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ نَزَّلَ الشَّيْطَانُ * نَزَّلَ عَلَىٰ كُلِّ أَفَّاكٍ أَثِيمٍ * يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَذِبُونَ * وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ». در آیات ۴ و ۵ سوره نمل، کفار را در زمره الگوهای بد یاد می‌کند که مشکل اعتقادی دارند و به آخرت ایمان ندارند و سرنوشت دردناک در انتظار آنان است: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَالَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ * أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْآخَسُونَ»

در نقطه مقابل به الگوهای صالح و سازنده اشاره و بالمطابقه یا با التزام به تبعیت و پیروی از این الگوها دستور می‌دهد. به عنوان نمونه آیه ۲۲۷ شعراء، مؤمنین را یکی از الگوهای نیک معرفی کرده و به اعمال و صفات و رفتار آن‌ها نیز اشاره می‌کند: «الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا» گویا فلسفه بزرگداشت این الگو، اعمال و رفتار و صفات نیک آن‌ها است. یا آیات ۲ و ۳ سوره نمل به ویژگی‌های اعتقادی مؤمنین همچون ایمان به غیب، اقامه نماز و پرداخت زکات اشاره کرده و بالملازمه به تبعیت از ای رفتارها دستور می‌دهد: «هُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ * الَّذِينَ يَقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ» یا در آیه ۱۹ سوره نمل، سلیمان نبی علیه السلام را به عنوان یک الگوی صالح معرفی می‌کند و سیره رفتاری، اعتقادی و اخلاقی او را توصیف می‌کند: «فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّن قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَلَدِي وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ» پروردگارا! شکر نعمت‌هایت را که بر من و پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به من الهام کن، [و توفیق ده] تا عمل صالحی که موجب رضای توست انجام دهم و مرا به رحمت خود در زمره‌ی بندگان

۱. ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۴.

صالحیت وارد کن.

به هر حال توصیفات و الگوپردازی آیات فوق در تربیت اخلاقی و اعتقادی متربی بسیار مؤثر و کارا است و او را برای شناخت الگوهای رفتاری نیک و بد یاری می‌رساند و زمینه انتخاب و تصمیم‌گیری او را فراهم می‌سازد تا با شناخت عاقبت نیک و بد بتواند راه را از بیراهه تمیز دهد و در جهت رشد و کمال و صلاح گام بردارد. توصیف آیات فوق از الگوی نیک و بد، مانند یک مربی دلسوز هم احساس و عواطف متربی را تحریک می‌سازد و هم او را به تأمل و تفکر وامی‌دارد تا با شعور آگاهی دست به تغییرات سازنده بزند و ابعاد اعتقادی و اخلاقی خویش را در جهت پرورش فضائل اخلاقی و دوری از تمایلات پست تقویت کند.

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های مقام معظم رهبری به متولیان تربیت این است که الگوهای سازنده مانند پیامبر ﷺ،^۱ ائمه اطهار،^۲ شهدا، بسیج،^۳ رهبران و نخبگان جامعه^۴ را به جوانان معرفی کنند: «سعی کنید چهره‌ی شهدا را آن چنان که هست برای جوان‌های امروز روشن کنید؛ این نمادها می‌شوند الگو برای جوان؛ و این به آنجا منتهی بشود که جوان‌ها بتوانند در بین این چهره‌هایی که معرفی شده‌اند و نشان داده شده‌اند، برای خودشان الگو انتخاب کنند، به آن‌ها دل ببندند و راه آن‌ها را دنبال کنند»^۵

۳. انسجام‌گرایی

تحقق اهداف تربیتی نیازمند کار جمعی منسجم است که هم سرعت و هم کیفیت آن را تضمین می‌کند. واقعیت آن است که نسبت به اقدامات کلان و اثرگذار، غالباً اقدامات فردی راهگشا نیست بلکه به همراهی و پشتیبانی دیگران نیاز هست. اگر رسالت تربیتی انبیاء در طول زمان به عنوان یک فعالیت واحد ملاحظه شود، خواهیم دید به صورت یک فعالیت منسجم جمعی در طول تاریخ توسط مجموعه ۱۲۴ هزار نفری از پیامبران امتداد یافته است. حقیقتی که آیه ۳۵-۳۶ سوره فرقان از آن پرده برمی‌دارد و خداوند آنگاه که موسی علیه السلام را برای هدایت فرعونیان برمی‌گزیند، برادرش هارون را کمک‌کار او قرار می‌دهد تا با یکدیگر این مأموریت مهم را به انجام رسانند. «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ أَخَاهُ هَارُونَ وَزِيرًا

۱. رک: بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۵-۷-۱۳۷۰ ش.

۲. رک: بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۲۳-۲-۱۳۹۱ ش.

۳. رک: بیانات رهبری در دیدار بسیجیان، ۳-۹-۱۳۹۵ ش.

۴. رک: بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۲۹-۴-۱۳۸۸ ش.

۵. بیانات رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی ۱۵۰۰ شهید استان هرمزگان، ۲۵-۹-۱۳۹۸ ش.



«فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَى الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَبُوا بِآيَتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ تَدْمِيرًا» وزیر قرار دادن هارون در راستای کمک به موسی علیه السلام برای انجام رسالتی بود که خداوند بر دوش ایشان نهاده بود و بزرگی مسئولیت رسالت و وسعت و جوانب آن، به حدی است که یک فرد به تنهایی از انجام آن برنمی آید بلکه نیاز به کار منسجم نیاز دارد و در اولین قدم لازم است فرد، وزیر و کمک کاری در کنار خود داشته باشد. هم چنین آیه ۱۳ شعراء از این کار جمعی حکایت می کند: «وَيُضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْطَلِقُ لِسَانِي فَأَرْسِلْ إِلَى هَارُونَ» مطابق این آیه، هارون نسبت به موسی علیه السلام زبان آورتر است و مأموریت دارد با گفتار خود موسی علیه السلام را در انجام رسالت یاری رساند یعنی هم نبوت و رسالت موسی علیه السلام را تصدیق کند و هم مردم با موسی علیه السلام مخاصمه کردند، هارون آنان را قانع سازد.^۱ از این آیات می توان لزوم انجام اقدامات جمعی برای تحقق اهداف مهم را برداشت نمود. تربیت اعتقادی و اخلاقی نیز به عنوان یک هدف اساسی در تربیت، نیازمند کار جمعی عوامل تربیت و انسجام همه امکانات تربیتی است.

ناگفته پیداست کار جمعی خود مستلزم مدیریت و برنامه ریزی صحیح و اصولی است. فرهنگ کار جمعی همواره یکی از دغدغه های مقام معظم رهبری بود و بارها نسبت به آن تأکید فرموده اند: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. باینکه کار جمعی را غربی ها به اسم خودشان ثبت کرده اند، اما اسلام خیلی قبل از این ها گفته است: «تعاونوا على البرِّ والتَّقوى»، یا «واعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا» یعنی حتی اعتصام به حبل الله هم باید دسته جمعی باشد.^۲ ایشان در فراز دیگری، به لزوم برنامه ریزی فعالیت های علمی در دانشگاه ها تأکید دارند^۳ و به حوزه علمیه توصیه می کنند که علاوه بر تمرکز کار جمعی، سبک های نوین تحقیق و تحقیق های گروهی را نیز سرلوحه کار قرار دهند؛ «چراکه تحقیق دسته جمعی، خاطر جمع تر از تحقیق فردی است و [در سایه آن] اختلافات کمتر می شود و پیشرفت ها بیشتر می گردد».^۴

۴. دوستی گزینی

بدون تردید یکی از مهم ترین روش های مؤثر در تربیت اعتقادی و اخلاقی، انتخاب دوست و همنشین سالم و صالح و پرهیز از دوستی با افراد نااهل است. جزء نوزدهم در آیات ۲۸-۲۹ سوره فرقان به اهمیت و نقش دوست در تربیت اشاره

۱. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴-۳۵.

۲. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳ ش.

۳. بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳۸۸/۱۱/۱۳ ش.

۴. بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۱۳۷۰/۰۶/۳۱ ش.

داشته و از زبان شخص ستمکار چنین بیان می‌دارد: «يُوَيْلَتِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا حَلِيلًا * لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ» ای کاش با رسول خدا راهی برگزیده بودم، کاش فلانی را به دوستی انتخاب نکرده بودم که مرا از یادآوری حق گمراه ساخت. فلانی می‌تواند شیطان یا دوست بد یا خویشاوند گمراه باشد.^۱ مطابق آیات فوق یکی از حسرت‌های قیامت، مربوط به انتخاب دوست ناباب است که باعث گمراهی انسان می‌شود، او را از پیروی دین منع کرده (مانع تربیت اعتقادی) و به گناه و هواهای نفسانی (مانع تربیت اخلاقی) سرگرم می‌کنند بلکه بالاتر از آن، هوای نفس را معبود خود قرار می‌دهد: «أَرَأَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ» (فرقان، ۴۳) «هوی» به معنای میل نفس به سوی خواسته‌های خودش است^۲ و معنای گرفتن اله، پرستیدن آن است و مراد از پرستش هم اطاعت کردن است. به هر حال این آیات به خوبی از نقش و میزان تأثیر دوست در سعادت و شقاوت انسان حکایت دارد. نقش همسالان در شکل‌گیری شخصیت و تعالی فرد و تربیت‌پذیری فرد از همسالان به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی، بسیار حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت تربیت اعتقادی و اخلاقی توجه به انتخاب همنشین صالح نقش مؤثری در این دو ساحت دارد که پیامبر فرمودند: «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ وَ قَرِينِهِ».^۳ مقام معظم رهبری نیز پنج ملاک را برای انتخاب دوست صالح برمی‌شمارند: اول؛ صداقت، دوم؛ آنچه را که زینت توست، زینت خود بداند؛ آنچه عیب توست، عیب خود بداند. سوم؛ اگر به یک قدرت و ثروت رسید، رفتارش با تو تغییر نکند. چهارم؛ هر خدمت، کمک، وساطت، توصیه و هر کاری از دستش برمی‌آید، از تو دریغ نکند. پنجم؛ هرگاه به یک مشکلی دچار شوی، تو را رها نکند.^۴

نتیجه‌گیری

از مهم‌ترین نتایج پژوهش حاضر می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱. بر مبنای اصل توحید محوری در جزء نوزدهم؛ در فرایند تربیت، اتخاذ اهداف و اقدامات تربیتی باید در راستای شناساندن خدا به متربی و تصحیح باورها و رفع شبهات ذهنی متربی درباره خداوند صورت گیرد. بر اساس اصل ولایت‌مداری و در راستای تربیت اعتقادی و اخلاقی متربی، آموزش دوست داشتن خدا و اهل بیت (علیهم‌السلام) و اطاعت و تبعیت از ایشان از یکسو و تبری بی‌زاری جستن و عدم

۱. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۷۱.

۲. حسین بن محمد، راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۸۴۹.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۴. جلسه درس خارج فقه معظم له، بیستم دی ماه ۱۳۸۹ ش.



تبعیت از دشمنان ایشان و نیز تعالیمی هم‌راستا در این زمینه، باید در رأس اقدامات تربیتی قرار گیرد. بر پایه اصل تقوا/مدا/ری، تربیت اعتقادی و اخلاقی متربیان مستلزم کنترل و هدایت امیال و رغبات آنان به سوی تغییرات مثبت و سازنده و جلوگیری از طغیان و انحراف است که با اقدامات تربیتی همچون ترغیب به انجام اعمال صالح، هشدار نسبت به فرجام و عذاب الهی و مانند آن میسر می‌شود. اصل توکل در تربیت زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتقادات صحیح و رشد بسیاری از ارزش‌های اخلاقی در انسان است؛ چراکه این اصل به مربی و متربی این امید و قوت قلب را می‌بخشد که در برابر مشکلات و سختی‌ها، از شکست نهراسند و با آرامش و بدون اضطراب به روند ایجاد و پذیرش تغییرات سازنده گام بردارند. با به‌کارگیری اصل مدا/را و چشم‌پوشی از خطاهای متربی و رفتار ملایم همراه با تسامح در فرایند تربیت، روند جذب متربی و ایجاد انگیزه لازم برای تغییر و اصلاح در او سرعت می‌گیرد و به همین میزان، تحقق اهداف تربیتی سهل‌الوصول‌تر می‌گردد. همان‌گونه که اصل صبرگرایی هم به مربی و هم به متربی توصیه می‌کند که در برابر مشکلات فرایند تربیت، استقامت و تحمل داشته باشند و از اهداف تربیتی کوتاه نیایند.

۲. روش تربیتی شناخت نعمت‌ها، زمینه التفات به پروردگار و زدودن غفلت متربی را فراهم می‌شود و او را به شکرگزاری و اطاعت وی سوق می‌دهد و این مهم‌ترین قدم برای اصلاح اعتقادات و تغییر در باورها و ارزش‌های اخلاقی می‌شود. مطابق روش اعطای بینش، اولین قدم در راه تربیت، تغییر و اصلاح بینش متربی است و اساساً تربیت‌پذیری آدمی در همه ساحات، در قدم نخست، مرهون تغییر و تحوّل در بینش‌ها و نگرش‌ها است. روش موعظه با توجه به اثر بر حذر کنندگی، متربی را از ارتکاب گناه باز داشته و به انجام اعمال صالح ترغیب می‌کند و مسیر تربیت اعتقادی و اخلاقی را هموار می‌سازد. از مهم‌ترین روش‌ها و راهکاری عملی، برای تنبه و دوری متربی از گناه و ترغیب به اعمال صالح/انذار و تبشیر است که انگیزه لازم برای تغییرات مثبت را در متربی ایجاد می‌کند. هان گونه که تواضع و فروتنی روشی است در رفتار است که موجب تقویت ارتباط و تعامل مؤثر مربی با متربی شده و روند یادگیری و آموزش را بهبود می‌بخشد.

۳. برخی از اصول و روش‌های قابل استنباط از جزء نوزدهم علاوه بر ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی دیگر ساحات تربیت را نیز دربر می‌گیرند. اصل رعایت تدریج به مربی گوشزد می‌کند که در فرایند تربیت و با در نظر داشت تفاوت‌ها و ظرفیت‌های متربیان، از روش‌ها و اقدامات تربیتی متنوعی بهره‌برد و روند

اجرایی برنامه تربیتی را به تدریج و مرحله به مرحله به پیش ببرد. الگوسازی روش عامی است که در تمام ساحات تربیت، جریان دارد و برای تغییر و تعدیل رفتار مربی و کمک به یادگیری رفتارهای مثبت و سازنده و پرهیز از رفتارهای ناسالم بسیار مؤثر است. توجه به تربیت منسجم و هدف دار، یکی از روش های نوینی است که بر کیفیت و کمیت آموزش و تربیت می افزاید و فرایند تربیت را اثربخش می سازد. متوجه ساختن مربیان به انتخاب دوست خوب و صالح و بیان ملاک ها و شاخصه های آن از سوی مربی، از مهم ترین اقدامات مربیان در راستای تربیت اعتقادی و اخلاقی است که البته اثر آن منحصر به این دو ساحات نیست.

در مجموع جزء نوزدهم قرآن کریم با ارائه اصول و روش های تربیتی متنوع، برنامه ای جامع برای تربیت انسان در ساحت های اعتقادی و اخلاقی ارائه می دهد. این اصول و روش ها نه تنها در تربیت مربیان، بلکه در تربیت مربیان نیز کاربرد دارند. دیدگاه آیت الله العظمی خامنه ای نیز به عنوان مرجع دینی، تأکید بر توحید محوری، تقوا مداری و ولایت پذیری در تربیت اسلامی را تقویت می کند. این پژوهش می تواند به عنوان مرجعی برای پژوهش های آینده در حوزه تربیت اسلامی مورد استفاده قرار گیرد.



فهرست منابع

قرآن کریم

۱. نهج البلاغه، (سید رضی، محمد بن حسین بن موسی، تصحیح عزیر الله عطاردی، قم، مؤسسه نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۴۱۴ق).
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الفکر- دار الصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ق.
۳. احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قاهره، المكتبة الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۴. اعرافی، علیرضا و همکاران، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم، ۱۳۸۶ ش.
۵. اعرافی، علیرضا، تربیت فرزند با رویکرد فقهی، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ سوم، ۱۴۰۰ ق.
۶. اعرافی، علیرضا، روش‌های تربیت، قم، موسسه فرهنگی و هنری اشراق و عرفان، چاپ اول، ۱۳۶۹ ش.
۷. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۱، قم، موسسه فرهنگی و هنری اشراق و عرفان، چاپ سوم، ۱۳۹۴ ش.
۸. اعرافی، علیرضا، فقه تربیتی، ج ۷، قم، موسسه اشراق و عرفان، چاپ سوم، ۱۳۹۵ ق.
۹. اعرافی، علیرضا، قواعد فقهی، قم، موسسه فرهنگی و هنری اشراق و عرفان، چاپ اول، ۱۳۹۳ ش.
۱۰. انصاری، عبدالله، منازل السائرین، قم، نشر بیدار، ۱۳۸۵ ش.
۱۱. انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ش.
۱۲. بابایی، احمد علی، برگزیده تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۲ ش.
۱۳. بلاغی، محمد جواد، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، قم، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۴. جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، بیروت، دارالعلم للملایین، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.
۱۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع)، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، تاج العروس، بیروت، دارالفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰ ق.
۱۷. حسینی همدانی، سید محمد حسین، انوار درخشان، کتابفروشی لطفی، تهران، چ اول، ۱۴۰۴ ق.
۱۸. خامنه ای، سید علی، زن و خانواده، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۹۸ ش.
۱۹. خامنه ای، سید علی، بیانات در آغاز درس خارج فقه، ۳۱ شهریور ۱۳۷۰ ش.
۲۰. خامنه ای، سید علی، بیانات در خطبه‌های نماز جمعه، ۵ مهر ۱۳۷۰ ش.
۲۱. خامنه ای، سید علی، بیانات در جلسه بیست و ششم تفسیر سوره بقره، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۷۱ ش.
۲۲. خامنه ای، سید علی، پیام به کنگره عظیم حج، ۴ اردیبهشت ۱۳۷۵ ش.
۲۳. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار تشکلهای مختلف دانشجویی دانشگاههای تهران ۲۴ دی ۱۳۷۷ ش.
۲۴. خامنه ای، سید علی، شرح حدیث جلسه بیست و چهارم، ۲۴ آبان ۱۳۷۸ ش.
۲۵. خامنه ای، سید علی، پیام به سی و پنجمین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا، ۲۶ شهریور ۱۳۷۹ ش.
۲۶. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۱۲ آذر ۱۳۷۹ ش.
۲۷. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۷ آذر ۱۳۷۹ ش.
۲۸. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار کارگزاران نظام به مناسبت عید سعید فطر، ۲ آبان ۱۳۸۵ ش.
۲۹. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار معلمان استان فارس، ۱۲ اردیبهشت ۱۳۸۷ ش.
۳۰. خامنه ای، سید علی، بیانات در سالروز عید سعید مبعث، ۲۹ تیر ۱۳۸۸ ش.
۳۱. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار وزیر علوم و استادان دانشگاه تهران، ۱۳ بهمن ۱۳۸۸ ش.
۳۲. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار جمع زیادی از مردم استان بوشهر، ۶ تیر ۱۳۸۹ ش.
۳۳. خامنه ای، سید علی، بیانات در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۱۰ آذر ۱۳۸۹ ش.

مطالعات اجتماعی
و هنر

دوره سوم
شماره دوم
پیاپی: ۶
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

۳۴. خامنه ای، سید علی، جلسه درس خارج فقه معظم له، بیستم دی ماه ۱۳۸۹ ش.
۳۵. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از معلمان سراسر کشور ۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۰ ش.
۳۶. بیانات در دیدار سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی ایران در خارج از کشور، ۷ دی ۱۳۹۰.
۳۷. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در اجلاس جهانی جوانان و بیداری اسلامی، ۱۰ بهمن ۱۳۹۰.
۳۸. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور، ۲۳ اردیبهشت ۱۳۹۱ ش.
۳۹. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۲۳ مهر ۱۳۹۱ ش.
۴۰. خامنه ای، سید علی، بیانات در چهارمین نشست اندیشه‌های راهبردی، ۲۳ آبان ۱۳۹۱ ش.
۴۱. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام، ۳۰ تیر ۱۳۹۲ ش.
۴۲. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار اعضای مجمع جهانی اهل بیت علیهم السلام و اتحادیه‌ی رادیو و تلویزیون‌های اسلامی، ۲۶ مرداد ۱۳۹۴ ش.
۴۳. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۶ اردیبهشت ۱۳۹۵ ش.
۴۴. خامنه ای، سید علی، بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین ۷ خرداد ۱۳۹۵ ش.
۴۵. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار بسیجیان، ۳ آذر ۱۳۹۵ ش.
۴۶. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مدال‌آوران کاروان ورزشی ایران ۲۳ آبان ۱۳۹۷ ش.
۴۷. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۴ فروردین ۱۳۹۸ ش.
۴۸. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی ۱۵۰۰ شهید استان هرمزگان، ۲۵ آذر ۱۳۹۸ ش.
۴۹. خامنه ای، سید علی، سخنرانی تلویزیونی به مناسبت سی‌ویکمین سالگرد رحلت امام خمینی (رحمه‌الله)، ۱۴ خرداد ۱۳۹۹ ش.
۵۰. خامنه ای، سید علی، سخنرانی اخلاقی درباره مدارا با مردم، ۲ تیر ۱۳۹۹ ش.
۵۱. خامنه ای، سید علی، بیانات در دیدار مبلغین و طلاب حوزه‌های علمیه سراسر کشور ۲۱ تیر ۱۴۰۲ ش.
۵۲. راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، لبنان. سوریه دار العلم. الدار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۵۳. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، بیروت، عالم الکتاب، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.
۵۴. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
۵۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، انتشارات ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۵۶. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تهران، کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق.
۵۷. عراقی، ضیاء الدین، بدائع الافکار فی الأصول، نجف، المطبعة العلمیه، چاپ اول، ۱۳۷۰ ق.
۵۸. علم الهدی، جمیل، جنسیت در تربیت اسلامی، مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، شماره ۸، ۱۳۸۳ ش.
۵۹. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ ششم، ۱۳۷۵ ش.
۶۰. اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمة، تبریز، نشر بنی هاشمی، چاپ اول، ۱۳۸۱ ق.
۶۱. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.
۶۲. فیض کاشانی، محمد، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء، قم، مؤسسة النشر الإسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۶۳. قاسمی، حمید، روش‌های تربیتی در داستان‌های قرآن، تهران، نشر و پژوهش معناگرا، ۱۳۸۵ ش.



۶۴. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الإسلامية، چاپ ششم، ۱۴۱۲ ق.
۶۵. کاظمی، سید عنایت الله و دیگران، اصل رفیق و مدارا و شبکه مفاهیم مرتبط در تربیت اسلامی، تربیت متعالی، شماره ۳، ص ۲۱، ۱۴۰۱ ش.
۶۶. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۶۷. مجتهدزاده، اصغر، بررسی روشهای تعلیم و تربیت از دیدگاه امام صادق (ع)، اداره کل آموزش و پرورش استان قم، کارشناسی تحقیقات، قم، ۱۳۷۶، صفحه ۵۹.
۶۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الأنوار الجامعة، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۶۹. ابن العربی، محمد بن عبد الله، أحكام القرآن، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ سوم، ۱۴۲۴ ق.
۷۰. علاءالدین، محمد رضا و دیگران، سیر تحلیلی رفتار صبر، پژوهش نامه قرآن و حدیث، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۹۸ ش.
۷۱. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، ترجمه جلال الدین مجتبوی، تهران، نشر حکمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۷ ش.
۷۲. مرتضی مطهری، جاذبه و دافعه علی (ع)، تهران، نشر صدرا، ۱۳۸۶ ش (همو، مجموعه آثار، نرم افزار)
۷۳. مشایخی، شهاب الدین، اصول تربیت از دیدگاه اسلام، فصلنامه حوزه و دانشگاه، شماره ۳۲، ۱۳۸۱ ش.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، قم، انتشارات دارالکتب اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
۷۵. نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

References

The Holy Quran

Nahj al-Balagha, (Sayyid Razi, Muhammad ibn Husayn Qom, Nahj al-Balagha Institute, 1414 AH).

1. Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram, Lisan al-Arab, Beirut, Dar al-Fikr, 1414 AH.

2. Ibn Sayyidah, Ali ibn Ismail, Al-Muhkam wal-Muhayt al-Azam, Beirut, Dar al-Kuttub al-Ilmiyyah, 1421 AH.

3. Ahmad ibn Faris ibn Zakaria, Mu'jam al-Maqays al-Lughah, Cairo, Al-Muktab al-Islamiyyah, 1430 AH.

4. Arbali, Ali ibn Isa, Kashf al-Ghamma fi ma'rifat al-'Imam, Tabriz, Bani Hashemi Publishing, 1381 AH.

5. A'rafi, Ali Reza and colleagues, Opinions of Muslim Scholars in Education and Training, Qom, Hawza and University Research Institute, 1386 AH.

6. A'rafi, Ali Reza, Raising Children with a Jurisprudential Approach, Qom, Ishraq and Irfan Institute, 1400 AH.

7. Aarafi, Ali Reza, Fiqh of Education, Vol. 1, Qom, Cultural and Artistic Institute of Illumination and Mysticism, 1394.

8. Ansari, Abdullah, Manazil al-Sa'irin, Qom, Bidar Publishing, 1385.

9. Anvari, Hassan, Farhang Bozorg Sokhan, Tehran, Sokhan Publishing, 1382.

10. Babai, Ahmad Ali, Selected Exemplary Interpretation, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiyyah, 1382.

11. Balaghi, Mohammad Javad, Ala' al-Rahman, Bissat Foundation, Qom, 1420 AH

12. Al-Tahnavi, Mohammad Ali, Keshaf Id-Islam al-Funun wa al-Ulum, Beirut, 1996.

13. Johari, Ismail bin Hamad, Al-Sahah, Beirut, Dar al-Ilm il-Malayyin, 1410 AH

14. Hurr Ameli, Mohammad bin Hassan, Wasa'il al-Shi'ah, Qom, Aal al-Bayt Foundation, 1409 AH

15. Hosseini Hamedani, Mohammad Hossein, Anvar Derakhshan, Lotfi Bookstore, Tehran, 1404 AH

16. Khamenei, Seyyed Ali, Woman and Family, Tehran, Islamic Revolution Cultural Research Institute, 1398 AH

17., Statements at the beginning of the Fiqh course, 31 September; Friday prayer sermons, 5 Mehr 1370 AH

18., Statements at the twenty-sixth session of the interpretation of Surah Al-Baqarah, 23 May 1371 AH

19., Message to the Great Hajj Congress, 4 May 1375 AH

20., Statements at the meeting of various student organizations of Tehran universities, 24 January 1377 AH

21., Explanation of Hadith, twenty-fourth session, 24 Aban 1378 AH

22., Message to the thirty-fifth meeting of the Union of Islamic Student Associations in Europe, 26 September; Statements at a meeting of government officials, December 12; Statements at a meeting of a group of students, December 17, 1379.

23., Statements at a meeting of government officials on the occasion of Eid al-Fitr, November 2, 1385.

24., Statements at a meeting of teachers in Fars Province, May 1, 1387.

25., Statements on the anniversary of Eid al-Maba'at, July 19; State-



ments at a meeting of the Minister of Science and professors at the University of Tehran, February 13, 1388.

26., Statements at a meeting of a large group of people in Bushehr Province, July 26; Statements at the first meeting of strategic ideas, December 10; His Excellency's session on the study of jurisprudence abroad, January 20, 1389.

27., Statements at a meeting of teachers from all over the country, May 14; Statements at a meeting of ambassadors and heads of Iranian political missions abroad, January 7; Statements at the meeting of participants in the World Youth and Islamic Awakening Summit, 10 Bahman 1390.

28., Statements at the meeting of a group of eulogists from all over the country, 23 Ordibehesht;; Statements at the meeting of the youth of North Khorasan Province, 23 Mehr;; Statements at the Fourth Strategic Thoughts Meeting, 23 Aban 1391.

29., Statements at the meeting of government officials, 30 Tiyr 1392.

30., Statements at the meeting of members of the World Assembly of Ahlul Bayt (a.s.) and the Islamic Radio and Television Union, 26 Mordad 1394.

31., Statements at the meeting of government officials and ambassadors of Islamic countries, 16 Ordibehesht; Statements at the Imam Hussein Guards Officers and Training University, 7 Khordad;; Statements at the meeting of Basijis, 3 Azr 1395.

32., Statements at the meeting of medalists of the Iranian sports caravan, 13 Aban 1397.

33., Statements at the meeting of officials of the regime and ambassadors of Islamic countries, 14 Farudin; Statements at the meeting of the organizers of the National Congress of 1500 Martyrs of Hormozgan Province, 25 Azar 1398.

34., Television speech on the occasion of the 31st anniversary of the passing of Imam Khomeini (may God have mercy on him), 14 Khordad; Moral speech on tolerance towards people, 2 Tiyr 1399.

35., Statements at the meeting of preachers and students of seminaries throughout the country, 21 Tiyr 1402.

36. Razi, Fakhr al-Din, Al-Kashif an Usul al-Dala'el, Beirut, Dar al-Jil, 1992.

37. Raghīb, Hossein bin Muhammad, Mufradat al-Afas al-Quran, Lebanon-Syria Dar al-Ilm-al-Dar al-Shamiya, 1412 AH

38. Sahib bin Ebad, Ismail bin Ebad, Al-Muhait fi al-Lughah, Beirut, Aalem al-Kitab, 1414 AH

39. Tabataba'i, Seyyed Muhammad Hussain, Al-Mizan, Qom, Islamic Publishing House, 1417 AH

40. Tabarsi, Fadl bin Hassan, Majma' al-Bayan, Tehran, Nasser Khosrow Publishing House, 1372 AH

41. Turahi, Fakhr al-Din, Majma' al-Bahrain, Tehran, Mortazavi Bookstore, 1416 AH

42. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf, Al-Qawa'id al-Jaliyah, Qom, Islamic Publishing House, 1412 AH

43. Allamah Hilli, Hassan bin Yusuf, Al-Jawhar al-Nadid, Qom, Bidar Publishing House, 1377 AH.

44. Yazdi, Mawli Abdullah, Al-Hashiyyah ali tahdhib al-Mantiq, Qom, Islamic Publishing House, 1412 AH

45. Iraqi, Zia al-Din, Bad'a' al-Ifkar, Najaf, Al-Mutabah al-Ilmiyyah, 1370 AH

46. Askari, Hassan bin Abdullah, al-Frooq fi al-Legha, Beirut, Dar al-Afaq al-Jalida, 1400 A.H.

مطالعات اجتماعی
و فرهنگ

دوره سوم

شماره دوم

پیاپی: ۶

پاییز و زمستان

۱۴۰۳



47. Omid, Hassan, Farhang Omid, Tehran, Amirkabir Publications, 1375.
48. Farahidi, Khalil bin Ahmad, Kitab Al-Ain, Qom, Hijrat Publishing House, 1410 A.H
49. Faiz Kashani, Mohammad, Al-Mahja Al-Bayda, Qom, Al-Nashar Islamic Publishing House, 1376.
50. Fayoumi, Ahmed bin Muhammad, al-Masbah Al-Munir, Qom, Dar al-Hijrah Institute, 1414 AH.
51. Ghasemi, Hamid, Educational methods in the stories of the Quran, Tehran, Meaningful Publishing and Research, 1385.
52. Qorshi, Ali Akbar, Quran Dictionary, Tehran, Islamic Books, 1412 A.H.
53. Kilini, Muhammad bin Yaqub, Al-Kafi, Tehran, Dar al-Kutb al-Islamiya, 1407 AH.
54. Majlisi, Muhammad Baqir, Bihar al-Anwar al-Jamaa, Beirut, Dar ihiya al-tr-arat al-arabi, 1403 A.H.
55. Naraghi, Mohammad

